



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الإنسان الإسلامية في إيران



نوشتارهای روشنگرانه و صلح طلبانه استاد آمریکایی جفری ساکس در قبال تجاوز
آمریکا و اسرائیل علیه ایران و پیامدهای مخرب آن در غرب آسیا و سراسر جهان

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵ شمسی، در سطح جهانی واکنش های گسترده ای نزد ملت های مختلف شکل گرفت. این واکنش ها در مواردی مشابه واکنش های پس از تجاوز ۱۲ روزه در خرداد و تیرماه ۱۴۰۴ به ایران بود و در مواردی با واکنش های برجسته تر همراه شد به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه های مردم در لامرد با بمب های خاص دارای آثار غیر انسانی گسترده، هدف قراردادن ده ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیر ساخت های مردمی ایران، توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت ها موضعگیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته اند، به طور طبیعی از نهادهای تخصصی حقوقی، حقوق دانان، نخبگان، آزادیخواهان و صلح طلبان در سراسر دنیا انتظار بیشتری می رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این نهادها و افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر و خطرات آن بر صلح و امنیت جهانی را درک می کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش جلوه می کند.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از نهادهای تخصصی حقوقی یا حقوقدانان و نخبگان علمی و صلح طلبان در سراسر دنیا واکنش های مناسبی هم از حیث محتوا و هم از حیث فوریت اعلام نظر، داشتند. اما بعضی نهادها و افراد متأسفانه محافظه کاری پیشه کرده و سخنی نگفتند که موجبات غضب مسئولان آمریکا یا رژیم اشغالگر اسرائیل را در پی داشته باشد یا اگر حرفی زدند دوپهلو و مبهم سخن گفتند و با عباراتی بی خاصیت، هر دو طرف را به کاهش تنش دعوت کردند یا ضمن اشاره به تجاوز آمریکا چند مطلب منفی غیر قابل توجه نیز علیه طرف قربانی و مظلوم مطرح کردند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام نهادها و افراد برجسته و شناخته شده موضعگیری شفافیت داشتند و کدام نهادها و کارشناسان هیچ موضعگیری نکرده یا مواضع بی خاصیتی داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب

دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص موضعگیری های نهادهای تخصصی حقوقی یا شخصیت های علمی فعال در حوزه حقوق و روابط بین الملل داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد. گزارش حاضر یکی از همین مجموعه آثار گردآوری شده است.

پروفسور جفری ساکس شخصیت شناخته شده جهانی است. وی استاد اقتصاد دانشگاه کلمبیا و تحلیلگر سیاست عمومی در سطح داخل آمریکا و عرصه جهانی است. وی سالهاست که مشاور دیر کل سازمان ملل و رییس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل می باشد. این استاد برجسته و یهودی آمریکا نظرات انتقادی متنوعی را اعلام داشته که در محافل علمی مختلف مورد رجوع و بحث گفتگو واقع شده است. این استاد آمریکایی در قبال جنگ طلبی های ترامپ و جنایات نتانیاهو هیچگاه سکوت پیشه نکرده بلکه مرتب سعی نموده تا با تقریر نوشتارهای تحلیلی، انجام مصاحبه های مختلف با رسانه ها و شبکه های اجتماعی و سخنرانی های متعدد در سطح ملی و جهانی صدایش را به گوش مخاطبان فراگیر در اقصی نقاط دنیا برساند. وی در ۷ ماه گذشته در خصوص تجاوز به ایران موضع حساسی داشته و بارها اعلام نظر کرده است. امور پژوهشی کمیسیون در مجموعه حاضر سعی کرده تا مقالات مکتوب ایشان از چند روز قبل از حمله آمریکا و اسرائیل در اسفند ماه ۱۴۰۴ به ایران تا آخرین نوشته ایشان در زمان تهیه مجموعه حاضر را بازتاب دهد. ایشان چند روز قبل از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران در بهمن ماه ۱۴۰۴ نامه ای را خطاب به اعضای شورای امنیت سازمان ملل نگاشته و صراحتاً از تهدیدهای مختلف ترامپ و احتمال راه اندازی کارزار نظامی و خونین علیه یک کشور مستقل ابراز نگرانی کرده و در ادامه آن نیز طی بازه زمانی اسفند ۱۴۰۴ تا شهریور ۱۴۰۵ هفت نوشتار تحلیلی را در خصوص جنگ علیه ایران و وضعیت غرب آسیا منتشر کرده است. مجموعه این اعلام نظرها در گزارش حاضر به ترتیب از آخرین به قدیمی ترین مورد آن بازتاب یافته اند. وی علاوه بر این تلاشها، مصاحبه ها و سخنرانی های متعدد نیز در این زمینه داشته که جداگانه قابل رجوع است.

امور پژوهشی کمیسیون ضمن تاکید بر اینکه ترجمه و بازتاب هر مقاله منتشره در خارج ایران لزوماً به معنای تایید همه دیدگاه های مطرح شده نویسندگان نیست، یادآوری می نماید که در روند نهایی سازی ترجمه حاضر، در مواردی برخی کلمات داخل براکت [] در متن افزوده شد، برخی توضیحات در زیر نویس صفحات مقاله درج گردید و معادل انگلیسی برخی اصطلاحات یا کلمات مهم در زیر نویس هر صفحه منعکس شد تا فهم موضوع بهتر انجام پذیرد. ارجاعات انگلیسی خود نویسنده نیز عیناً ذیل هر صفحه حفظ گردید.

با امید به اینکه مخاطبان ارجمند آگاهی‌های خود در خصوص واقعیات جامعه جهانی از جمله چالش‌های فراوری اجرای حق و عدالت را ارتقا دهند و انگیزه بیشتری پیدا کنند که برای دفاع از حقوق ملی خویش حساسیت روز افزونی مبذول داشته و همواره مراقب باشند که هیچ بازیگری جرات تعرض و تجاوز به ایران را پیدا نکند، ترجمه انگلیسی به فارسی مقالات جناب ساکس در ادامه تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

شهریور ۱۴۰۵

♦ نویسنده مقالات: پروفسور جفری ساکس و در برخی موارد همراه با دستیار خود سایبیل فارس

♦ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، شهریورماه ۱۴۰۵

♦ مآخذ مقالات به ترتیب درج در این مجموعه: شبکه زبان انگلیسی الجزیره (www.aljazeera.com)، ۳۱ اوت ۲۰۲۶ /

شبکه زبان انگلیسی الجزیره، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶ / شبکه زبان انگلیسی الجزیره، نهم می ۲۰۲۶ / سامانه تحلیلی کامان دریمز (

www.commondreams.org)، نهم آوریل ۲۰۲۶ / سامانه تحلیلی کامان دریمز، ششم آوریل ۲۰۲۶ / سامانه کامان

دریمز، شانزدهم مارس / سامانه شخصی دکتر ساکس (www.jeffsachs.org)، دوم مارس ۲۰۲۶ / سامانه کامان دریمز،

شانزدهم فوریه ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۲/۲۱۵

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر و یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای

ارتقای تلاش‌ها استقبال می‌کند. مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

فهرست مطالب:

نوشتار اول) شکست قریب الوقوع عملیات طرد اقتصادی / ص ۲

نوشته دکتر جفری ساکس و خانم سایبیل فارس
نشر در سی و یکم آگوست ۲۰۲۶ برابر با نهم شهریور ۱۴۰۵ شمسی
برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار دوم) برای برقراری صلح [در غرب آسیا و جهان، نقشه] «اسرائیل بزرگ» را متوقف کنید / ص ۱۱

نوشته دکتر جفری ساکس و خانم سایبیل فارس
نشر در بیست و یکم ژوئن ۲۰۲۶ برابر با سی و یکم خرداد ۱۴۰۵ شمسی
برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار سوم) جنگ علیه ایران احتمالاً با عقب نشینی آمریکا پایان خواهد یافت / ص ۱۵

نوشته دکتر جفری ساکس و خانم سایبیل فارس
نشر در نهم ماه می ۲۰۲۶ برابر با نوزدهم اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی
معجری روند برگردان انگلیسی به فارسی: محدثه نخودچی دانش پژوه دکترای حقوق بین الملل و همیار افتخاری
کمیسیون
ویرایش و نهایی سازی متن: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار چهارم) پایان دادن به جنگ اسرائیل علیه صلح / ص ۲۰

نوشته دکتر جفری ساکس و خانم سایبیل فارس
نشر در نهم آوریل ۲۰۲۶ برابر با بیستم فرودین ۱۴۰۵ شمسی
برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار پنجم) ترامپ و نتانیاهو: دو دیوانه که نقش خدا را بازی می کنند / ص ۲۵

نوشته دکتر جفری ساکس
نشر در ششم آوریل ۲۰۲۶ برابر با هفدهم فروردین ۱۴۰۵ شمسی
برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار ششم) پایان دادن به جنگ ترامپ-تئایه‌و در خاورمیانه / ص ۳۴

نوشته دکتر جفری ساکس و خانم سایبیل فارس

نشر در شانزدهم مارس ۲۰۲۶ برابر با بیست و پنجم اسفند ۱۴۰۴ شمسی

برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار هفتم) این حمله غیرقانونی آمریکا و اسرائیل به ایران، حمله‌ای به سازمان ملل متحد نیز هست / ص ۳۹

نوشته دکتر جفری ساکس و خانم سایبیل فارس

نشر در دوم مارس ۲۰۲۶ برابر با یازدهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی

برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

نوشتار هشتم) نه به جنگ آمریکا علیه ایران: نامه‌ای سرگشاده به شورای امنیت سازمان ملل / ص ۴۵

نوشته دکتر جفری ساکس

نشر در شانزدهم فوریه ۲۰۲۶ برابر با بیست و هفتم بهمن ۱۴۰۴ شمسی

برگردان انگلیسی به فارسی و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

متن نوشتار اول:

شکست قریب الوقوع عملیات طرد اقتصادی

احتمالاً آخرین بسته تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران به اهداف واشنگتن نخواهد رسید.

نوشته دکتر جفری ساکس، اقتصاددان و تحلیل‌گر سیاست عمومی، استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل / خانم سایبیل فارس، مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل متحد

(نشر در سی و یکم آگوست ۲۰۲۶ برابر با نهم شهریور ۱۴۰۵ شمسی)

هفته گذشته، پاکستان اعلام کرد که از آخرین تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران پیروی نخواهد کرد و به تجارت با همسایه خود ادامه خواهد داد. این خبر تنها چند روز پس از آن منتشر شد که چین بیانیه مشابهی صادر کرد.

تحریم‌های اعلام شده توسط اسکاٹ بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، در ۲۴ آگوست تحت عنوان «عملیات طرد اقتصادی» قرار است «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» باشند که برای تحمیل «بزرگترین انزوای اقتصادی هماهنگ در تاریخ جهان» طراحی شده‌اند.

پیش از این، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در یک فرسته در رسانه‌های اجتماعی آن را «روز آغاز فروپاشی اقتصادی» نامید. او وعده داد که «عواقب اقتصادی عظیمی» برای هر کشوری که «هر نوع خط نجاتی» به ایران بدهد، در پی خواهد داشت.

۱. Jeffrey Sachs

۲. Sybil Fares

۳. <https://www.aljazeera.com/news/2026/8/24/trump-administration-announces-global-economic-war-on-iran>

۴. ECONOMIC D-DAY

روز D در ادبیات غربی اشاره به یک روز مشخص در جریان جنگ جهانی دوم دارد که متفقین توانستند با یک عملیات نظامی روند جدید در جبهه ای جنگ را رقم بزنند و نیروهای آلمان را شکست دهند و پیروز جنگ جهانی شوند. در روز ۶ ژوئن ۱۹۴۴ میلادی (۱۶ خرداد ۱۳۲۳ شمسی)، حدود ۱۶۰ هزار سرباز از ۱۳ کشور عضو متفقین در سواحل نرماندی فرانسه پیاده شدند و عملیات Overlord با اسم رمز نپتون را آغاز کردند. از

شش ماه بمباران و محاصره دریایی ایالات متحده هیچ پیروزی برای ایالات متحده به همراه نداشته است، بنابراین اکنون برنامه این است که ایران را تا سر حد تسلیم، گرسنگی دهند. رویکرد جدید غیرقانونی و ظالمانه است و به دلایل مختلف شکست خواهد خورد.

برای شروع، سابقه تاریخی وجود دارد. تحریم‌های اقتصادی، دولت‌هایی را که مصمم به ادامه حیات خود هستند، سرنگون نمی‌کند. بله، تحریم‌ها می‌توانند جمعیت‌ها را فقیر کنند، سرویس‌های امنیتی که قاچاق را کنترل می‌کنند، توانمند سازند و به کشور هدف، نقطه اتکایی بر اساس بدخواهی ایالات متحده بدهند. اما آنها دولت‌ها را سرنگون نمی‌کنند.

همچنین، محاسبات اساسی بازار نفت جهان را در نظر بگیرید. سنت پیشنهاد می‌دهد صادرات نفت ایران از جهانی که در حال حاضر یک پنجم عرضه نفت خود را به دلیل بسته بودن تنگه هرمز از دست داده است، حذف شود. ایالات متحده پیشنهاد می‌کند شوک رکود تورمی که در حال حاضر توسط اروپا، ژاپن و سایر متحدانش تحمل می‌شود، عمیق‌تر شود و به این کشورها دستور می‌دهد تحریم‌هایی را اعمال کنند که اقتصاد آنها را خفه خواهد کرد.

بالا تر از همه، این کارزار علیه چین است که بیش از ۸۰ درصد از صادرات نفت ایران را خریداری می‌کند. اگر ایالات متحده بانک چین یا بانک صنعتی و تجاری چین را تحریم کند، پکن با یک یادداشت دیپلماتیک ملایم پاسخ نخواهد داد. این کشور صادرات عناصر خاکی کمیاب خود [به آمریکا و دیگر کشورهای همراه با آمریکا] را محدود خواهد کرد، زیرا قبلاً یک بار این آزمایش را انجام داده و برنده شده است.

عملیات نرماندی با عنوان بزرگ‌ترین تهاجم آبی - خاکی تاریخ یاد می‌شود. تاریخ‌نگاران نظامی این عملیات را نقطه آغاز آزادسازی سرزمین‌های اروپایی از اشغال ارتش هیتلر و یکی از پایه‌های اصلی پیروزی متفقین می‌دانند. آمارها نشان می‌دهد که در این عملیات حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای متفقین کشته شدند و این تعداد برای نیروهای آلمان تا ۹ هزار نفر ذکر شده است. این عملیات برای کشورهای غربی اهمیت زیادی دارد و موضوع آن تا کنون دستمایه ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها و بازی‌های ویدیویی زیادی شده است که نجات سرباز رایان ساخته استیون اسپیلبرگ را می‌توان شناخته‌شده‌ترین آن‌ها دانست. در واقع ترامپ جنایتکار با اشاره به این عنوان می‌خواهد بگوید که ما عملیات ویژه‌ای را در بُعد اقتصادی علیه ایران اعمال می‌کنیم که دیگر شکست بخورد و در مقابل ما مقاومت نکند. این نامگذاری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا و متحدان غربی‌اش بیش از ۴ دهه است انواع تحریم‌های اقتصادی و انواع فشارها را علیه ایران اعمال کرده‌اند ولی نتیجه‌ای نگرفته‌اند و همین جامعه به شدت تحت فشار توانسته به پیشرفت‌های مختلف نائل آید و از همه مهم‌تر، این توان را داشته باشد که در مقابل دو قدرت نظامی جهان نه تنها مقاومت کند بلکه ضربات سختی هم به آنها وارد سازد.

در آوریل ۲۰۲۵، چین در پاسخ به تعرفه‌های ترامپ، مجوز صادرات عناصر خاکی کمیاب سنگین را اعمال کرده و ظرف چند هفته، خودروسازان آمریکایی و اروپایی به دلیل کمبود آهنرباهای عناصر خاکی کمیاب، خطوط مونتاژ خود را تعطیل کردند. در اکتبر ۲۰۲۵، چین بسته [محدودیت آور] بسیار گسترده‌تری را اعلام کرد و [متعاقب آن] واشنگتن تسلیم شد و موافقت کرد که محدودیت‌های تازه گسترش یافته خود را بر شرکت‌های چینی در ازای تعلیق اقدامات پکن به مدت یک سال، لغو کند.

کنترل‌های [اعمال شده ماه] آوریل [از سوی چین] هرگز برداشته نشده‌اند و تعلیق اقدامات اکتبر در نوامبر به پایان می‌رسد. بنابراین بسنت این لحظه را، کمی بیش از دو ماه قبل از بازگشت رژیم گسترش یافته عناصر خاکی کمیاب چین و چند هفته قبل از سفر شی جین‌پینگ، رهبر چین، به واشنگتن، انتخاب کرده است تا به پکن اطلاع دهد که یا با ایالات متحده است یا علیه آن. این تله‌ای است که خود برای ایالات متحده ساخته است.

پکن موضع خود را روشن کرده است. سخنگوی وزارت امور خارجه [چین]، لین جیان، به خبرنگاران گفت: «چین بارها مخالفت قاطع خود را با تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی که هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل یا مجوز شورای امنیت سازمان ملل ندارند، روشن کرده است. جنگ اقتصادی و فشار حداکثری هیچ راه حلی ارائه نمی‌دهند.»

این فقط نظر دولت چین نیست که تحریم‌های ایالات متحده غیرقانونی هستند. ماده ۲ (بند ۴) منشور سازمان ملل متحد تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری را ممنوع می‌کند. نقض منشور سازمان ملل توسط ایالات متحده بسیار فراتر از ایران است.

از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، آمریکا اکنون کمترین همسویی را با چندجانبه‌گرایی مبتنی بر سازمان ملل دارد. در ژانویه ۲۰۲۶، واشنگتن از بیش از ۶۰ سازمان بین‌المللی خارج شد. در سال ۲۰۲۵، آمریکا تنها در پنج درصد از قطعنامه‌های ثبت شده مجمع عمومی سازمان ملل با اکثریت بین‌المللی همراهی و رأی داد.

در این مرحله، هر دولتی باید سه نتیجه‌گیری داشته باشد:

اول، ایالات متحده آمریکا منشور سازمان ملل را رد کرده است.

^۵. https://english.mofcom.gov.cn/Policies/AnnouncementsOrders/art/2025/art_0dd87cbee7b045bf93fab2faceee.html

^۶. <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/series/3364401/xis-2026-trip-us>

^۷. <https://www.cnbc.com/2026/08/20/bessent-economy-iran-war-trump.html>

دوم، تضمین‌های امنیتی آمریکا غیرقابل اعتماد هستند.

سوم، تکیه بر تجارت مبتنی بر دلار، کشورها را در برابر تحریم‌های ایالات متحده آسیب‌پذیر می‌کند.

در سراسر جهان، کشورها به ترتیبات دفاعی جدید، مانند توافق مکه بین عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان، روی می‌آورند. آنها همچنین به طور قابل پیش‌بینی در حال فاصله گرفتن از تسویه حساب‌ها به دلار آمریکا و کاهش دارایی‌های خود از بدهی خزانه‌داری ایالات متحده در ذخایر خارجی خود هستند. آنها همچنین به جای پرداخت هزینه برای مدل‌های انحصاری آمریکا^۸ به مدل‌های هوش مصنوعی با وزن باز چین^۹ روی می‌آورند تا نیازهای هوش مصنوعی خود را برآورده کنند.

روایت باستانی توسیدید از جنگ پلوپونز^{۱۰} در روزگار ما به عنوان آینه‌ای از رقابت ایالات متحده و چین خوانده می‌شود. مشهورترین بیت آن، طعنه‌ای است که سرداران آتنی در سال ۴۱۶ پیش از میلاد به مردم ملوس^{۱۱} زدند: «قوی هر کاری از دستش برآید انجام می‌دهد و ضعیف هر چه باید رنج می‌کشد.» با این حال، تنها دوازده سال پس از طعنه‌های سرداران آتنی، این آتن بود که از اسپارت شکست خورد.

آمریکا اکنون با همان لحن، ایران و دیگر کشورها را مسخره می‌کند. غرور، مقدمه‌ی سقوط است و هیچ دولتی امروز متکبرتر از آمریکا تحت حاکمیت ترامپ و مجری او، نیست.

دولت‌های سراسر جهان، کورکورانه از آمریکا پیروی نخواهند کرد و به سوی فاجعه نخواهند رفت.

^۸. American proprietary models

^۹. China's open-weight AI models

در هوش مصنوعی، «وزن‌ها» مقادیر عددی هستند که در شبکه عصبی ذخیره می‌شوند و تعیین می‌کنند که مدل چگونه داده‌ها را پردازش کند. این‌ها در واقع «مغز» یا دانش مدل هستند. تفاوت مدل‌های انحصاری هوش مصنوعی مثل چت جی پی تی با مدل‌های وزن باز در این است که در مدل‌های انحصاری شما فقط به «دریچه» یا API دسترسی دارید. یعنی درخواست خود را می‌فرستید و پاسخ می‌گیرید، اما نمی‌دانید داخل مدل چه می‌گذرد، نمی‌توانید آن را دانلود کنید و روی سرور خودتان اجرا کنید، و داده‌هایتان برای آموزش مدل استفاده می‌شود. اما در مدل وزن باز شرکت سازنده فایل‌های مدل (وزن‌ها) را به صورت عمومی منتشر می‌کند. هر کسی می‌تواند آن را دانلود کند، بر روی سخت‌افزارهای شخصی یا سرورهای داخلی اجرا کند و حتی آن را تغییر دهد یا برای وظایف خاص تنظیم مجدد (Fine-tune) کند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۰}: Thucydides' ancient account of the Peloponnesian War

^{۱۱}: Melos

برای برقراری صلح [در غرب آسیا و جهان، نقشه] «اسرائیل بزرگ» را متوقف کنید

اسرائیل توسعه طلب از کشاندن آمریکا به جنگ در خاورمیانه دست برنخواهد داشت.

نوشته دکتر جفری ساکس،^{۱۲} استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل / خانم ساییل فارس،^{۱۳} مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل متحد

(نشر در بیست و یکم ژوئن ۲۰۲۶ برابر با سی و یکم خرداد ۱۴۰۵ شمسی)

در ۱۴ ژوئن، ایالات متحده و ایران بر سر چارچوبی برای پایان دادن به جنگ بین خود به توافق رسیدند. تنگه هرمز قرار است بازگشایی شود، بمباران لبنان قرار است پایان یابد و - مهمتر از همه - کشتار باید متوقف شود. پس از بیش از ۱۰۰ روز جنگی که هزاران نفر، از جمله [جمعی از] برجسته ترین رهبران ایران را به قتل رساند و اقتصاد جهانی را به لبه پرتگاه برد، حتی یک آتش بس شکننده^{۱۴} نیز مانند اولین نور [امید] است.

بیایید از آن استقبال کنیم، اما همچنین اجازه دهید آن را [خوب] درک کنیم. برای درک اینکه چرا این جنگ و رشته جنگ های قبل از آن رخ داده است، باید علت مشترک^{۱۵} آنها را نام ببریم. آن علت، «اسرائیل بزرگ»^{۱۶} است - نه کشور اسرائیل، بلکه ایده متعلق به آن - یک ایده وحشتناک.

ایده «اسرائیل بزرگ» علت جنگ ها در عراق، غزه، لبنان، سوریه و ایران بوده است.

این دکترین معتقد است که اسرائیل باید بر تمام فلسطین تاریخی - از رود اردن تا دریای مدیترانه - و همچنین بخش هایی از کشورهای همسایه گسترش یابد. به گفته مایک هاکی،^{۱۷} سفیر ایالات متحده در اسرائیل، یک پروتستان بنیادگرا که قطب نمای ژئوپلیتیکی او با متون کتاب مقدس از ۵۰۰ سال قبل از میلاد تنظیم شده است،

^{۱۲} Jeffrey Sachs

^{۱۳} Sybil Fares

^{۱۴} Fragile truce

^{۱۵} Common cause

^{۱۶} Greater Israel

^{۱۷} Mike Huckabee

«اسرائیل بزرگ» از نیل تا فرات امتداد دارد. تابستان گذشته، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، اظهار داشت که «بسیار» به رویای «اسرائیل بزرگ» که به گفته او، سرزمین‌های فلسطینی و سرزمین‌های عرب همسایه را در بر می‌گیرد، تعلق خاطر دارد.

این دکترین پوچ و خطرناک دو والد دارد:

اولی، تندروهای سکولار مانند نتانیاهو هستند که می‌گویند اسرائیل باید تمام سرزمین‌ها را از رودخانه تا دریا کنترل کند تا در امان باشد و لعنت بر هشت میلیون فلسطینی که سر راه هستند.

دوم، عقیده برتری طلبانه یهودی^{۱۸} وزیر دارایی اسرائیل، بزلال اسموتریچ^{۱۹}، و وزیر امنیت ملی، ایتامار بن گویر^{۲۰}، است که [مدعی هستند] خداوند، سرزمین را فقط به یهودیان داده است: به گفته اسموتریچ، «چیزی به نام [فلسطین و] فلسطینی وجود ندارد». اخیراً در پاسخ به این سوال که اسرائیل چگونه باید به جایگاه جهانی در حال فروپاشی خود پاسخ دهد، اسموتریچ سوگند یاد کرد که اسرائیل از کنترل نظامی کرانه باختری، غزه، لبنان یا سوریه دست نخواهد کشید: «ما برای خوشحال کردن آنها خودکشی نخواهیم کرد».

[ایده ضدانسانی] «اسرائیل بزرگ»، [بیماری روانی] پارانوئا^{۲۱}، خودبزرگ‌بینی^{۲۲} و تعصب مذهبی^{۲۳} است که در یک برنامه واحد بافته شده‌اند. این دکترین باید دهه‌ها پیش در اولین ارائه خود رد می‌شد. در عوض، این دکترین به مدت سه دهه دکترین خارجی و نظامی اسرائیل را هدایت کرده است - و تا به امروز زنده مانده است زیرا نتانیاهو از ایالات متحده سوءاستفاده کرده است.

او این کار را با دو عنصر آمریکایی انجام داده است: صهیونیست‌های یهودی^{۲۴} که عاشق اسرائیل هستند و هر چیزی را برای آن می‌بخشند و صهیونیست‌های مسیحی^{۲۵} که پیشگویی آخرالزمان^{۲۶} و ظهور مجدد مسیح را بیش از هر فلسطینی زنده یا، برای آن موضوع، هر اسرائیلی زنده دوست دارند.

^{۱۸} The Jewish supremacist creed

^{۱۹} Bezalel Smotrich

^{۲۰} Itamar Ben-Gvir

^{۲۱} Paranoia

^{۲۲} Megalomania

^{۲۳} Religious zeal

^{۲۴} Jewish Zionists

^{۲۵} Christian Zionists

^{۲۶} The prophecy of the End Times

توهم^{۲۷} به توهم منجر شده است و مسیر از یک جنگ به جنگ دیگر کشیده شده است. اکنون ۳۰ سال است که در این فاجعه فرو رفته‌ایم.

جنگ علیه ایران صرفاً جدیدترین هوس بازی «اسرائیل بزرگ» بود. قرار بود دولت ۹۰ میلیون نفری در یک روز باشکوه^{۲۸} سرنگون شود. البته که این اتفاق نیفتاد. بمب‌های اسرائیلی و آمریکایی در ۲۸ فوریه رهبران ایران را کشتند، اما این فروپاشی وعده داده شده را محقق نکرد. در عوض، منجر به هزاران کشته، انسداد تنگه هرمز و یک شوک نفتی جهانی شد.

ما قبلاً این فیلم را دیده‌ایم. نقشه اسرائیل و آمریکا برای سرنگونی بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، نیز قرار بود سریع، حداکثر یک یا دو سال، باشد. در عوض، دوازده سال قتل عام، با جنگی پنهانی که توسط سازمان سیا و با حمایت پرشور اسرائیل تسلیح و تأمین مالی می‌شد، به وقوع پیوست. نتیجه، کشوری باستانی بود که به ویرانه‌ای تبدیل شد. پیروزی‌های وعده داده شده یک روزه، همیشه به گورستان‌هایی ده ساله تبدیل می‌شوند.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، با پیوستن به توهم «اسرائیل بزرگ» ضربه خورده است و او این را می‌داند. توافق جدید با ایران دریچه فرار اوست، راهی برای خروج از جنگی احمقانه که هرگز قرار نبود در آن پیروز شود.

دقیقاً به همین دلیل است که سیاستمداران [شیفته] «اسرائیل بزرگ» در اسرائیل سعی می‌کنند توافق جدید را در نطفه خفه کنند، زیرا صلح با ایران شکستی برای «اسرائیل بزرگ» است. حتی پس از امضای توافق، اسرائیل به بمباران لبنان ادامه داده و ۴۷ نفر را در یک روز جمعه و ۳۲ نفر دیگر را در روز شنبه، ساعاتی پس از اجرای آتش‌بس لبنان و اسرائیل، کشته است.

حقیقت عمیق‌تر این است: [نقشه] «اسرائیل بزرگ»، اسرائیل را نجات نمی‌دهد. بلکه آن را می‌کشد. اختلافی که اکنون بین ترامپ و نتانیاهو قابل مشاهده است، تنها ظاهر قضیه است. در زیر آن، فروپاشی جایگاه اسرائیل در سراسر

^{۲۷} Delusion

^{۲۸} Glorious day

روز باشکوه مورد نظر که توهم تجاوزگران به ایران بوده است در اثر مقاومت ملی و ایثار و فداکاری ایرانیان در دفاع همه جانبه از خود تبدیل به روز سرافکندگی و خفت و خواری جنایتکاران شده است. این مهم را جهانیان به نظاره نشسته اند و امید به اجرای هر چه سریعتر عدالت علیه جنایتکاران دارند. (توضیح افزوده بر متن)

جهان نهفته است. طبق یک نظرسنجی اخیر موسسه پیو،^{۲۹} جهان اکنون دیدگاهی به شدت نامطلوب نسبت به اسرائیل دارد. در ایالات متحده، حامی ضروری اسرائیل،^{۳۰} از هر ۱۰ بزرگسال، شش نفر آن را نامطلوب می‌دانند.

دولتی که خود را منفور جهان و تنها حامی آن جلوه می‌دهد، به دنبال امنیت نیست. این دولت بقای خود را برای تغذیه یک توهم، در معرض تهدید قرار می‌دهد.

بنابراین، راه صلح در غرب آسیا، متوقف کردن «اسرائیل بزرگ» است. به جنگ علیه ایران پایان دهید، نسل‌زدایی^{۳۱} در غزه را متوقف کنید و خفه کردن کرانه باختری را متوقف کنید. از همه مهم‌تر، کاری را که دکترین [مزبور] منع می‌کند، انجام دهید، یعنی ایجاد کشور فلسطین به عنوان صد و نود و چهارمین کشور عضو سازمان ملل متحد در کنار کشور اسرائیل در مرزهای ۱۹۴۷ با امنیت واقعی برای هر دو کشور و یک چارچوب منطقه‌ای برای تضمین آن، که باید شامل خروج اسرائیل از لبنان و سوریه باشد.

آتش‌بس ایران، این موضوع را به شکلی مینیاتوری نشان می‌دهد: این آتش‌بس نه در میدان نبرد، بلکه از طریق میانجیگری به دست آمد. این آتش‌بس زمانی ممکن شد که واشنگتن تصمیم گرفت صلح را بیشتر از جنگ «اسرائیل بزرگ» بخواهد.

اسرائیل می‌تواند زنده بماند، اما نه به عنوان «اسرائیل بزرگ»، ایده‌ای فاجعه‌بار که آن و ایالات متحده را از جنگی به جنگ دیگر کشانده است.

کورسوی امید^{۳۲} امروز واقعی است. اینکه آیا این آتش‌بس به طلوعی واقعی تبدیل خواهد شد یا خیر، به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده سرانجام اجازه تولد [کشور] فلسطین و در نتیجه اجازه حیات اسرائیل را خواهد داد یا خیر. جهان عرب و ایران باید همچنان به ایالات متحده اصرار کنند که جدایی از [توهم] «اسرائیل بزرگ» تنها راه صلح پایدار است.

^{۲۹} Pew opinion survey

^{۳۰} Israel's indispensable patron

^{۳۱} Genocide

^{۳۲} The glimmer of hope

جنگ علیه ایران احتمالاً با عقب‌نشینی آمریکا پایان خواهد یافت

امپراتوری آمریکا نمی‌تواند با هزینه‌های مالی، نظامی و سیاسی قابل قبول در جنگ علیه ایران پیروز شود.

نوشته دکتر جفری ساکس،^{۳۳} استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل / خانم ساییل فارس،^{۳۴} مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل متحد

(نشر در نهم ماه می ۲۰۲۶ برابر با نوزدهم اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی)

جنگ علیه ایران که ایالات متحده و اسرائیل در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ [برابر با نهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی] آغاز کردند، احتمالاً با عقب‌نشینی آمریکا پایان خواهد یافت. ایالات متحده نمی‌تواند بدون ایجاد عواقب فاجعه‌بار به جنگ ادامه دهد. تشدید مجدد تنش احتمالاً منجر به تخریب زیرساخت‌های نفت، گاز و نمک‌زدایی^{۳۵} منطقه می‌شود و فاجعه‌ای جهانی و طولانی‌مدت ایجاد می‌کند. ایران می‌تواند هزینه‌هایی را تحمیل کند که ایالات متحده قادر به تحمل آن نیست و جهان نیز نباید متحمل آن شود.

طرح جنگ آمریکا و اسرائیل، یک حمله‌ی سرزنی^{۳۶} بود که توسط بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، و دیوید بارنیا، مدیر موساد، به رئیس‌جمهور دونالد ترامپ فروخته شد. فرضیه^{۳۷} این بود که یک کارزار بمباران مشترک و تهاجمی آمریکا و اسرائیل، ساختار فرماندهی، برنامه‌ی هسته‌ای و راهبری ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را چنان تضعیف می‌کند که رژیم ایران از هم می‌پاشد. سپس ایالات متحده و اسرائیل، یک دولت انعطاف‌پذیر^{۳۸} را در تهران روی کار خواهند آورد.

^{۳۳} Jeffrey Sachs

^{۳۴} Sybil Fares

^{۳۵} Desalination infrastructure

^{۳۶} Decapitation strike

^{۳۷} The premise

^{۳۸} Pliable government

به نظر می‌رسد ترامپ متقاعد شده بود که ایران نیز همان مسیری را که در ونزوئلا طی شده بود، دنبال خواهد کرد و نتیجه همان خواهد شد. عملیات ایالات متحده در ونزوئلا در ژانویه ۲۰۲۶، نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا را در عملیاتی که به نظر می‌رسد عملیاتی هماهنگ بین سیا و عناصری در داخل دولت ونزوئلا بود، برکنار کرد^{۳۹} و با ربایش و انتقال رییس‌جمهور قانونی ونزوئلا به زندانی در آمریکا پایان یافت. ایالات متحده یک رژیم انعطاف‌پذیرتر^{۴۰} را با پابرجا ماندن ساختار قدرت ونزوئلا بدست آورد. به نظر می‌رسد ترامپ ساده‌لوحانه باور داشته است که همین نتیجه، در ایران نیز رخ خواهد داد.

با این حال، عملیات ایران نتوانست یک رژیم مطیع در تهران ایجاد کند. ایران از نظر تاریخی، فناوری، فرهنگی، جغرافیایی، نظامی، جمعیتی یا ژئوپلیتیکی ونزوئلا نیست. هر اتفاقی که در کاراکاس افتاد، ارتباط چندانی با آنچه در تهران رخ داد، نداشت.

دولت ایران دچار فروپاشی نشد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که به هیچ وجه از هم نپاشیده بود، با فرماندهی داخلی مستحکم‌تر و نقش گسترده‌تری در معماری امنیت ملی ظهور کرد. دفتر رهبری مقاومت کرد؛ نهاد مذهبی از آن حمایت کرد؛ و مردم علیه حمله خارجی متحد شدند.

دو ماه گذشته است، ترامپ و نتانیاهو هیچ دولت جانشینی در ایران تحت کنترل خود ندارند، هیچ تسلیمی از سوی ایران برای پایان دادن به جنگ وجود ندارد و هیچ مسیر نظامی برای پیروزی وجود ندارد. تنها مسیر، و مسیری که به نظر می‌رسد ایالات متحده در حال طی کردن آن است، عقب‌نشینی^{۴۱} است. ایران مسئول تنگه هرمز است و هیچ یک از مسائل دیگر بین ایالات متحده و ایران حل و فصل نشده است.

دلایل متعددی محاسبات اشتباه فاجعه‌بار آمریکا و موفقیت‌های ایران را توضیح می‌دهد و تحلیل می‌کند. [برخی از دلایل بشرح زیر، قابل طرح هستند]:

^{۳۹}. منظور از انعطاف‌پذیرتر، شناسایی دولتی با استقلال و امکان دفاع از منافع ملی خود نیست بلکه دولتی مد نظر است که کاملاً مطیع و تابع نظر دولت آمریکا عمل کند و بدون اجازه آنها از کوچکترین اقدامات نیز خودداری ورزد. این وضعیت هم اینکه در ونزوئلا کاملاً آشکار است که بدون اجازه دولت آمریکا مقامات حاکمه ونزوئلا حتی نمی‌توانند یک بیانیه ساده از طریق وزارت امور خارجه خود صادر کنند یا اجازه ندارند نفت خود به عنوان مهم‌ترین سرمایه مادی ملت ونزوئلا را به هر کس که مایلند بفروشند و سرمایه آنها را در اختیار بگیرند و برای توسعه کشور خویش بکار گیرند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۴۰}: Retreat

اول، رهبران آمریکا اساساً در مورد ایران اشتباه قضاوت کردند. ایران تمدنی بزرگ با ۵۰۰۰ سال تاریخ، فرهنگ عمیق، تاب‌آوری ملی و غرور است. دولت ایران قرار نبود در برابر قلدری و بمباران ایالات متحده تسلیم شود، به ویژه با توجه به این واقعیت که ایرانیان به یاد دارند که چگونه ایالات متحده در سال ۱۹۵۳ با سرنگونی یک دولت منتخب دموکراتیک^{۴۱} و روی کار آوردن یک حکومت پلیسی^{۴۲} [با محوریت محمدرضا شاه پهلوی] که ۲۷ سال دوام داشت، دموکراسی ایران را نابود کرد.

دوم، رهبران آمریکا به طرز چشمگیری پیچیدگی‌های فناوری‌های ایران را دست کم گرفتند. ایران از مهندسی و ریاضیات در سطح جهانی برخوردار است. این کشور یک پایگاه صنعتی دفاعی بومی با موشک‌های بالستیک پیشرفته، صنعت پهپاد بومی و قابلیت پرتاب مدار بومی^{۴۳} [در حوزه صنایع فضایی] ایجاد کرده است. سابقه توسعه فناوری ایران، که علیرغم ۴۰ سال تحریم‌های فزاینده ایجاد شده است، یک دستاورد ملی خیره‌کننده^{۴۴} است.

سوم، فناوری نظامی به گونه‌ای تغییر کرده است که به نفع ایران است. موشک‌های بالستیک ایران هزینه کمتری در قبال موشک‌های رهگیر آمریکایی مستقر علیه آنها دارند. پهپادهای ایرانی ۲۰ هزار دلار هزینه دارند؛ در حالیکه موشک‌های رهگیر دفاع هوایی آمریکا ۴ میلیون دلار هزینه به بار می‌آورند. موشک‌های ضد کشتی ایران، با هزینه‌هایی در حدود شش رقم پایین‌تر، ناوشکن‌های آمریکایی را که ۲ تا ۳ میلیارد دلار هزینه دارند، تهدید می‌کنند. شبکه ضد دسترسی و ممانعت منطقه‌ای ایران در اطراف خلیج فارس، دفاع هوایی چند لایه، ظرفیت اشباع پهپاد و موشک^{۴۵} و قابلیت ممانعت دریایی در تنگه [هرمز]، هزینه عملیاتی تحمیل اراده آمریکا بر ایران را بسیار بیشتر از آن چیزی می‌سازد که ایالات متحده بتواند تحمل کند، به ویژه با در نظر گرفتن تخریب تلافی جویانه‌ای^{۴۶} که ایران می‌تواند بر کشورهای همسایه تحمیل کند.

چهارم، روند سیاست‌گذاری ایالات متحده غیرمنطقی شده است. جنگ ایران توسط حلقه کوچکی از وفاداران به ریاست جمهوری در مارالاگو [محل اقامت شخصی ترامپ]، بدون هیچگونه فرآیند بین سازمانی رسمی و شورای

^{۴۱}. اشاره به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دارد که آمریکا و انگلیس با بکارگیری برخی عناصر مزدور داخلی، دولت مرحوم مصدق را ساقط و زندانی و شاه را که از ایران فرار کرده بود دوباره به ایران بازگرداندند تا زمام امور ایران از طریق این فرد دست نشانده در اختیار خودشان باشد. عجیب است که بعد از گذشت قریب به ۸۰ سال هم چنان آمریکا همان رویه‌ها و الگوهای غارتگری دیگر کشورها را در سطح جهانی دنبال می‌کند. (توضیح افزوده به متن)

^{۴۲}. Indigenous orbital launch capability

^{۴۳}. Stunning national achievement

^{۴۴}. Drone and missile saturation capacity

^{۴۵}. The retaliatory destruction

امنیت ملی، تصمیم گرفته شد. جو کنت، مدیر مرکز ملی مبارزه با تروریسم ترامپ، در ۱۷ مارس با انتشار نامه‌ای سرگشاده استعفا داد و در آن از [وجود] «یک اتاق پژواک»^{۴۶} برای فریب رئیس جمهور خبر داد. [به هر حال]، این جنگ محصول یک سیستم تصمیم‌گیری بود که در آن دستگاه مشورت و تدبیر^{۴۷} غیرفعال شده بود و از آنان نظری گرفته نشد.

این [تجاوز به ایران] نه جنگ ضرورت^{۴۸} بود و نه جنگ انتخاب.^{۴۹} این جنگ، جنگ هوی و هوس^{۵۰} بود. فرضیه اصلی، قدرت هژمون/ سیطره گر بود. ایالات متحده در تلاش بود تا [از این طریق] سلطه جهانی خود را که دیگر ندارد، حفظ کند و اسرائیل در تلاش بود تا سلطه منطقه‌ای خود را که هرگز نخواهد داشت، برقرار کند.

با توجه به همه این موارد، پایان احتمالی این جنگ احتمالاً با بازگشت به چیزی نزدیک به وضع موجود قبلی به پایان خواهد رسید، به جز سه واقعیت جدید در صحنه میدانی.

اول، ایران کنترل عملیاتی بر تنگه هرمز خواهد داشت.

دوم، موضع بازدارندگی ایران به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

سوم، حضور نظامی بلندمدت ایالات متحده در خلیج فارس به طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

سایر مسائلی که ظاهراً ایالات متحده را به حمله به ایران ترغیب کرده بودند، از جمله برنامه هسته‌ای ایران، نیروهای نیابتی منطقه‌ای و زرادخانه موشکی به احتمال زیاد در همان جایی که در آغاز جنگ بودند، باقی خواهند ماند.

حتی با عقب‌نشینی ایالات متحده، ایران از همسایگان خود امتیاز نخواهد گرفت. با سه دلیل، چرایی آن را توضیح می‌دهم.

اول، ایران منافع راهبردی بلندمدتی در همکاری با همسایگان خلیج فارس خود دارد، نه در طی یک جنگ مداوم. دوم، ایران هیچ علاقه‌ای به شروع مجدد جنگی که به تازگی با موفقیت به پایان رسانده است، نخواهد داشت.

^{۴۶} An echo chamber

^{۴۷} The deliberative apparatus

^{۴۸} War of necessity

^{۴۹} War of choice

^{۵۰} War of whim

سوم، اگر محدودیتی لازم باشد، ایران توسط حامیان بزرگ خود، روسیه و چین، که هر دو خواهان منطقه‌ای با ثبات و مرفه^{۵۱} هستند، مهار خواهد شد. رهبری ایران این امر را به وضوح درک می‌کند و جنگ را متوقف خواهد کرد. ترامپ بدون شک سعی خواهد کرد عقب‌نشینی آینده را به عنوان یک پیروزی بزرگ نظامی و راهبردی به تصویر بکشد. چنین ادعاهایی درست نخواهد بود. حقیقت این است که ایران بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که ایالات متحده می‌فهمید؛ تصمیم برای رفتن به جنگ، غیرمنطقی بود؛ و فناوری اساسی جنگ^{۵۲} علیه ایالات متحده تغییر کرد. امپراتوری آمریکا نمی‌تواند با هزینه مالی، نظامی و سیاسی قابل قبول در جنگ علیه ایران پیروز شود. با این حال، آنچه آمریکا می‌تواند دوباره به دست آورد، مقداری تدابیر عقلانی^{۵۳} است. وقت آن رسیده است که ایالات متحده به عملیات‌های خود برای تغییر رژیم پایان دهد و به حقوق بین‌الملل و دیپلماسی بازگردد.



^{۵۱} Stable and prosperous region

^{۵۲} The underlying technology of war

^{۵۳} Some measure of rationality

پایان دادن به جنگ اسرائیل علیه صلح

برای برقراری صلح پایدار در خاورمیانه، ایالات متحده باید به چک سفید خود برای جنگ‌های دائمی اسرائیل پایان دهد و با سایر کشورهای جهان همراه شود تا اسرائیل را مجبور به زندگی در مرزهای شناخته شده بین‌المللی خود در ۴ ژوئن ۱۹۶۷ کند.

نوشته دکتر جفری ساکس، استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل / خانم ساییل فارس، مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل متحد
(نشر در نهم آوریل ۲۰۲۶ برابر با بیستم فرودین ۱۴۰۵ شمسی)

آتش‌بس دو هفته‌ای تا حدودی جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران را متوقف کرده است. این جنگ دقیقاً چیزی را به دست نیاورد که یک دیپلمات شایسته نمی‌توانست در یک بعد از ظهر به آن دست یابد. تنگه هرمز قبل از جنگ باز بود و اکنون دوباره باز است، اما با کنترل بیشتر ایران.

در همین حال، هرج و مرج ادامه دارد. اسرائیل قصد دارد آتش‌بس را از بین ببرد، زیرا این جنگ از ابتدا جنگ اسرائیل بود. اسرائیل ترامپ را با چشم‌انداز یک حمله یک روزه که ترامپ را مسئول نفت ایران قرار می‌داد، مبهوت کرد. اسرائیل، به نوبه خود، به دنبال طعمه بزرگتری بود: سرنگونی رژیم ایران و در نتیجه تبدیل شدن به هژمون/ قدرت حاکم منطقه‌ای غرب آسیا.

اساس آتش‌بس، طرح ۱۰ ماده‌ای^۴ ایران است که ترامپ (شاید ناخواسته) آن را «مبنای عملی برای مذاکره» نامید. این طرح منطقی است، اما یک عقب‌نشینی بزرگ برای ایالات متحده و احتمالاً خط قرمز برای اسرائیل است. در میان نکات دیگر، این طرح خواستار پایان دادن به جنگ‌های در حال وقوع در خاورمیانه است که تقریباً همه آنها اسرائیل را در علت ریشه‌ای [بروز یا استمرار] خود دارند. این طرح همچنین مسئله هسته‌ای را حل می‌کند، اساساً با بازگشت به برجام که ترامپ در سال ۲۰۱۸ آن را پاره کرد.

^۴: <https://www.bbc.com/news/live/c5yw4g3z7qgt?post=asset%3A68b586d3-4e14-4389-a5c5-7457d49ce17a#post>

جنگ ایران و سایر جنگ‌هایی که در سراسر خاورمیانه در جریان است، به یک ایده اصلی اسرائیل برمی‌گردد، مبنی بر اینکه اسرائیل به طور دائم و قاطعانه با یک کشور مستقل فلسطینی مخالفت خواهد کرد و هر دولتی را در خاورمیانه که از مبارزه مسلحانه برای [دفاع از] حاکمیت ملی حمایت کند، سرنگون خواهد کرد. توجه به این نکته ضروری است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌های متعددی، مانند قطعنامه ۳۷/۴۳ (۱۹۸۲) را تصویب کرده است که تأیید می‌کند حق تعیین سرنوشت سیاسی بسیار حیاتی است و مبارزه مسلحانه در تلاش برای [استیفای] تعیین سرنوشت مشروع [ملتها] است. سازمان ملل متحد تا حدودی از عزم برای پایان دادن به قرن‌ها سلطه امپراتوری اروپا بر آفریقا و آسیا متولد شد. البته، اگر اسرائیل یک راه حل سیاسی، به ویژه راه حل دو کشوری که از حمایت قاطع در سراسر جهان برخوردار است، را بپذیرد، دلیلی برای مبارزه مسلحانه [ملت فلسطین جهت رهایی از اشغالگری] وجود نخواهد داشت.

اگر ایالات متحده آن را درک کند، صلح در دسترس است.

هدف اصلی نتانیاها را می‌توان در اسرائیل بزرگ خلاصه کرد. این به معنای عدم حاکمیت فلسطین و عدم مرزهای مشخص برای اسرائیل حتی فراتر از مرز فلسطین تاریخی تحت حکومت بریتانیا پس از جنگ جهانی اول است. افراط‌گرایان صهیونیست مانند متحدان سیاسی نتانیاها، بن‌گور و اسموتریچ، طرفدار کنترل اسرائیل بر بخش‌هایی از لبنان و سوریه و همچنین کنترل دائمی بر تمام آنچه که فلسطین تحت سلطه بریتانیا بود، هستند. صهیونیست‌های مسیحی آمریکا، که نمونه بارز آن مایک هاکبی، سفیر ایالات متحده در اسرائیل، و پایگاه رأی‌دهندگان قوی ترامپ هستند، از وعده خدا به اسرائیل در مورد سرزمین‌های بین نیل و فرات صحبت می‌کنند. [این نگرش‌ها] چیزهای دیوانه‌واری^{۵۵} هستند، اما با این وجود، اینها باورهای واقعی هستند [که جریان دارند] و در کاخ سفید مبادله می‌شوند.

بنابراین، راهبرد اسرائیل تغییر رژیم در هر کشوری است که در برابر اسرائیل بزرگ مقاومت می‌کند، طرحی که پیش از این در سند سیاسی معروف «یک جدایی کامل: یک راهبرد جدید برای تأمین امنیت قلمرو»^{۵۶} که توسط نئوکان‌های صهیونیست آمریکایی به عنوان بستر برای دولت جدید نتانیاها در سال ۱۹۹۶ نوشته شده بود، پیش‌بینی شده بود. از آن زمان تاکنون، ما جنگ‌های مداومی در خاورمیانه برای اجرای دیدگاه جدایی کامل داشته‌ایم. این

^{۵۵} Crazy stuff

^{۵۶} A Clean Break: A New Strategy for Securing the Realm
https://www.dougfieith.com/docs/Clean_Break.pdf

شامل جنگ در لیبی برای سرنگونی معمر قذافی، جنگ‌های لبنان، جنگ برای سرنگونی بشار اسد در سوریه، جنگ برای سرنگونی صدام حسین در عراق و اکنون جنگ برای سرنگونی رژیم ایران بوده است.

این به آن معنا نیست که ایالات متحده فاقد ایده‌های بلندپروازانه خود است. اسرائیل خواهان هژمونی / سیطره منطقه‌ای است، این یک راز نیست. نتانیاهو این جاه‌طلبی‌ها را در اظهارات اخیر خود در مورد تبدیل شدن اسرائیل به «یک قدرت منطقه‌ای و در برخی زمینه‌ها یک قدرت جهانی» تأیید کرده است. از سوی دیگر، مقامات آمریکایی رویای هژمونی / سیطره جهانی را در سر می‌پروراندند و ترامپ رویای پول را در سر می‌پروراند. او مشتاق نفت ایران است و بارها این را گفته است.

در هر صورت، واضح است که این جنگ [علیه ایران] ساخته و پرداخته‌ی نتانیاهو بود. او و رئیس موساد به واشنگتن آمدند تا به ترامپ یک معامله‌ی تمام‌عیار بفروشند. کار سختی نبود. ترامپ گول خورد، در حالی که همه در مورد ادعاهای نتانیاهو مبنی بر یک حمله‌ی سربردن آسان و یک روزه^{۵۷} [نظام ایران] - که اساساً تکرار عملیات آمریکا در ونزوئلا بود - تردید داشتند.

«گوش دادن» به گفتگوی [انجام شده] در کاخ سفید، همانطور که نیویورک تایمز فاش کرد،^{۵۸} رقت‌انگیز است. نتانیاهو، [به مثابه] یک کلاهبردار،^{۵۹} سناریوهای خوش‌بینانه‌ای از تغییر رژیم ارائه داد که [داده‌های سازمان‌های اطلاعات آمریکا با آن در تضاد بود، اما ترامپ احمقانه آن را پذیرفت. ترامپ و نتانیاهو توسط صهیونیست‌های مسیحی (از قبیل هگست)، صهیونیست‌های یهودی و توسعه‌دهندگان املاک (همانند کوشنر و ویتکاف)، یک [مدعی] التیام‌دهنده ایمان (چون فرانکلین گراهام) و چاپلوسان سطح بالا (همانند روبیو و راتکلیف) تشویق [به اقدام متجاوزانه علیه ایران] شدند.

در حالی که ترامپ به جهانیان می‌گفت که ایران برای آتش‌بس التماس می‌کند، این خود ترامپ بود که برای آتش‌بس التماس می‌کرد.

تا عصر سه‌شنبه، به نظر می‌رسید که ترامپ ممکن است جهان را کورکورانه به سمت جنگ جهانی سوم سوق دهد. ابتذال و وحشیگری^{۶۰} لفاظی‌های عمومی او در تاریخ ریاست جمهوری ایالات متحده بی‌نظیر بود. اکنون می‌دانیم

^{۵۷} Easy one-day decapitation strike

^{۵۸} <https://www.nytimes.com/2026/04/07/us/politics/trump-iran-war.html>

^{۵۹} A con man

^{۶۰} The vulgarity and brutality

که او به شدت به دنبال یک راه فرار بود و از پاکستان برای این منظور استفاده می‌کرد. در حالی که ترامپ به جهانیان می‌گفت که ایران برای آتش‌بس التماس می‌کند، این خود ترامپ بود که برای آتش‌بس التماس می‌کرد. رهبر پاکستان این نکته را مطرح کرد.

آتش‌بس خوب است، و طرح ده ماده‌ای هم خوب است، حتی شاید وقتی ترامپ گفت که [این طرح] مبنای خوبی برای مذاکره است، نمی‌دانست چه چیزی در آن وجود دارد. اسرائیل، در هر صورت، برای شکستن آن تلاش خواهد کرد، و از قبل هم این کار را شروع کرده است، با بمباران گسترده بیروت که صدها غیرنظامی را به قتل رسانده است، و با حملات دیگر. توافق دائمی ایالات متحده و ایران آخرین چیزی است که نتانیاهو انتظار وقوعش را دارد [یعنی نمی‌خواهد که واقع شود]. این به رویای او برای اسرائیل بزرگ پایان می‌دهد.

با این حال، راهی برای صلح وجود دارد و آن روبرو شدن ایالات متحده با واقعیت است. اسرائیل «دولت ترور» واقعی است که به دلیلی کاملاً غیرقابل دفاع - آزادی نامحدود برای ترور و حکومت بر مردم فلسطین و گسترش مرزهای خود به هر شکلی که متعصبان اسرائیل صلاح بدانند - در سراسر خاورمیانه جنگ دائمی به راه انداخته است.

برای برقراری صلح پایدار در خاورمیانه، ایالات متحده باید به چک سفید خود برای جنگ‌های دائمی اسرائیل پایان دهد و با بقیه جهان همراه شود تا اسرائیل را مجبور به زندگی در مرزهای شناخته شده بین‌المللی خود در ۴ ژوئن ۱۹۶۷ کند. طرح ۱۰ ماده‌ای ایران می‌تواند مبنای یک صلح جامع منطقه‌ای باشد - اگر ایالات متحده واقعیت یک کشور فلسطین را بپذیرد. در این صورت، ایران احتمالاً موافقت می‌کند که تأمین مالی طرف‌های متخاصم غیردولتی^۱ را متوقف کند و اسرائیل، فلسطین، لبنان و کل منطقه می‌توانند در امنیت و صلح متقابل زندگی کنند. این نتیجه باید مبنای توافق مذاکره شده ایالات متحده و ایران در دو هفته آینده باشد.

اسرائیل «دولت تروریستی» واقعی است که به دلیلی کاملاً غیرقابل دفاع، جنگ دائمی را در سراسر خاورمیانه به راه انداخته است...

مردم آمریکا دیدگاه‌های خود را روشن کرده‌اند. یک نظرسنجی [موسسه] پيو در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که اکثر آمریکایی‌های یهودی به نتانیاهو اعتماد ندارند و از راه‌حل دو کشور [فلسطین و اسرائیل] حمایت می‌کنند. اکثر

^۱ Non-state belligerents

آمریکایی‌ها اکنون اسرائیل را نامطلوب می‌دانند، بالاترین میزان نامطلوبیت در تاریخ. همدردی با اسرائیل به پایین‌ترین حد خود در ۲۵ سال گذشته رسیده است. اکنون طبقه سیاسی [جامعه] باید با مردم همراه شود.

اگر ایالات متحده آن را درک کند، صلح در دسترس است. پیشنهاد ایران جدی است و آتش‌بس، روزنه‌ای شکننده برای یک توافق جامع است.

سوال این است که آیا ایالات متحده بار دیگر به اسرائیل اجازه خواهد داد که صلح را نابود کند، یا این بار برای منافع آمریکا و منافع جهان بر [شکل‌گیری] یک صلح پایدار ایستادگی خواهد کرد.



ترامپ و نتانياهو: دو ديوانه كه نقش خدا را بازی می کنند

وقتی رهبران ديوانه از فاجعه الهی به عنوان ابزاری سیاسی استفاده می کنند، تنها دشمنانشان نیستند كه نابود می شوند. اگر جلوی آنها گرفته نشود، همه ما قربانی این دو روان پریش خواهیم شد.

نوشته دكتر جفری ساكس، استاد و مدیر مركز توسعه پایدار دانشگاه كلمبيا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و كمیسر كمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل

(نشر در ششم آوریل ۲۰۲۶ برابر با هفدهم فروردین ۱۴۰۵ شمسی)

دونالد ترامپ در پیام عید پاک^{۲۱} به جهانیان گفت:

"سه شنبه در ایران، روز [انهدام] نیروگاه و روز [ویران سازی] پُل خواهد بود، همه در یک روز. هیچ چیز دیگری مثل این نخواهد بود!!! تنگه لعنتی را باز کنید، حرامزاده‌های ديوانه، و گرنه در جهنم زندگی خواهید کرد - فقط تماشا کنید! با ستایش خدا. رئیس جمهور دونالد جی. ترامپ"

دونالد ترامپ^{۲۳} و شریک او در جنایات جنگی، بنیامین نتانياهو^{۲۴} به طور مشترک جنگی تجاوزکارانه و مرگبار را علیه ایران، کشوری با ۹۰ میلیون نفر جمعیت، به راه انداخته‌اند. آنها گرفتار سه بیماری زنجیره‌ای هستند. اولین بیماری، شخصیت است: هر دو خودشیفته‌های بدخیم هستند.

دومی، تکبر قدرت است: مردانی که قدرت فرماندهی نابودسازی [از طریق سلاح] هسته‌ای را دارند و در نتیجه، هیچ محدودیتی احساس نمی کنند.

^{۲۱} <https://truthsocial.com/@realDonaldTrump/posts/116351998782539414>

^{۲۲} <https://www.commondreams.org/tag/donald-trump>

^{۲۳} <https://www.commondreams.org/tag/war-crimes>

^{۲۴} <https://www.commondreams.org/tag/benjamin-netanyahu>

سومی، و خطرناک‌ترین آنها، توهم مذهبی است: دو مردی که باور دارند و روزانه اطرافیانشان به آنها می‌گویند که مسیح هستند و کار خدا را انجام می‌دهند. هر بیماری، بیماری دیگر را تشدید می‌کند، به طوری که آنها با هم جهان را در معرض خطر بی‌سابقه‌ای قرار می‌دهند.

نتیجه، تجلی از خشونت است که از زمان رهبران نازی دیده نشده است. سوال این است که آیا محدود افراد رشد یافته جهان^{۶۶} رهبران ملی مسئول که به حقوق بین‌الملل^{۶۷} متعهد می‌مانند و مایل به گفتن آن هستند - می‌توانند آنها را مهار کنند. این کار آسان نخواهد بود، اما آنها باید تلاش کنند.

بیایید با اختلال روانی زمینه‌ای شروع کنیم. خودشیفتگی بدخیم^{۶۸} یک اصطلاح بالینی است، نه یک توهین. روانشناس اجتماعی، اریک فروم،^{۶۹} این عبارت را در سال ۱۹۶۴ برای توصیف آدولف هیتلر، به عنوان ترکیبی از خودبزرگ‌بینی پاتولوژیک،^{۷۰} روان‌پریشی،^{۷۱} پارانویا / دارای سوءظن به دیگران و شخصیت ضداجتماعی در یک ساختار شخصیتی واحد، ابداع کرد. خودشیفته بدخیم صرفاً مغرور نیست. او از نظر ساختاری قادر به همدلی واقعی نیست، ذاتاً در برابر احساس گناه مصون است و با این اعتقاد پارانوئیدی هدایت می‌شود که دشمنان او را احاطه کرده‌اند و باید نابود شوند. پیش از این در سال ۲۰۱۷، روانشناس جان گارنتر^{۷۲} و بسیاری از متخصصان دیگر در مورد خودشیفتگی بدخیم ترامپ هشدار داده بودند.

چندین روانشناس و روانپزشک^{۷۳} معتبر، ترامپ را از نظر روان‌پریشی با استفاده از مقیاس استاندارد هار^{۷۴} ارزیابی کرده‌اند و به نمراتی بسیار بالاتر از حد تشخیصی رسیده‌اند. به عنوان نمونه، برخی منابع در این زمینه خواندنی است.^{۷۵} روان‌پریشی به بهترین وجه به عنوان فقدان وجدان یا دلسوزی برای سایر انسان‌ها توصیف می‌شود.

^{۶۶} The world's few grownups

^{۶۷} <https://www.commondreams.org/tag/international-law>

^{۶۸} Malignant narcissism

^{۶۹} <https://www.amazon.com/Heart-Man-Genius-Good-Evil/dp/1590561864>

^{۷۰} <https://www.commondreams.org/tag/adolf-hitler>

^{۷۱} pathological grandiosity

^{۷۲} psychopathy

^{۷۳} <https://www.usatoday.com/story/opinion/2017/05/04/trump-malignant-narcissistic-disorder-psychiatry-column/101243584/>

^{۷۴} psychiatrists

^{۷۵} Hare Scale

^{۷۶} <https://markinreport.com/2024/08/03/trump-is-a-psychopath/>

هم ترامپ و هم نتانیاهو با دقت در این مشخصات قرار می‌گیرند. روان‌پریشی ترامپ زمانی کاملاً آشکار شد که نیروهای آمریکایی یک پُل غیرنظامی در تهران^{۷۷} را که اهمیت نظامی نداشت، تخریب کردند و حداقل هشت غیرنظامی را کشته و ۹۵ نفر یا بیشتر را زخمی کردند. ترامپ [از این جنایت] غمگین نشد. او با غرور و افتخار وعده تخریب بیشتر را داد. سخنرانی نتانیاهو در عید فصح^{۷۸} نیز به همین ترتیب حتی یک کلمه هم برای مردگان نداشت. بدون مکث. بدون سایه شک. فقط ارائه فهرست پیروزمندانه‌ای از دشمنانی که او نابود کرده است.

[اختلال روانی] پارانوئا، تهدیدی را که ترامپ و نتانیاهو ایجاد کرده‌اند، هدایت می‌کند. تولسی گابارد^{۷۹}، مدیر اطلاعات ملی خود ترامپ، به صورت کتبی شهادت داد که برنامه هسته‌ای ایران «از بین رفته»^{۸۰} است و جامعه اطلاعاتی «همچنان ارزیابی می‌کند که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست». «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با قطعیت اعلام کرد که هیچ مدرکی مبنی بر وجود بمب [هسته‌ای در ایران] وجود ندارد. مقام ضد تروریسم خود ترامپ در اعتراض به این موضوع استعفا داد^{۸۱} و نوشت: «ما این جنگ را به دلیل فشار اسرائیل و لابی قدرتمند آمریکایی آن آغاز کردیم». فرد پارانوئید به تهدید واقعی نیاز ندارد. او در صورت لزوم، تهدیدی را برای خود می‌سازد تا با احساس ترس اغراق‌آمیز خود مطابقت داشته باشد. ماکیاولیسم بدون شرمندگی عمل می‌کند. ترامپ به جهان گفت که دیپلماسی همیشه «اولویت اول» او بوده است، در حالی که همزمان با پاره کردن توافق هسته‌ای با ایران به خود می‌بالید: «من بسیار مفتخرم که این کار را انجام دهم. من بسیار مباهات میکنم که این کار را انجام دهم»^{۸۲}. چارچوب دیپلماتیک را با دستان خود نابود کرد، سپس ایران را به خاطر ویرانی سرزنش کرد. او سپس، با بی‌خیالی، اعتراف کرد که این جنگ هیچ منطق دفاع از خودی ندارد: «ما مجبور نیستیم آنجا باشیم. ما به نفت آنها نیاز نداریم»^{۸۳}. ما به هیچ چیز آنها نیاز نداریم. اما ما آنجا هستیم تا به متحدان خود کمک کنیم.

طبق منشور سازمان ملل، دفاع از خود تنها مبنای قانونی برای کاربرد زور است. ترامپ اعتراف کرده است که چنین مبنایی [در مورد عملکرد وی و نتانیاهو] وجود ندارد.

^{۷۷} <https://www.commondreams.org/tag/tehran>

^{۷۸} <https://www.gov.il/en/pages/event-statement310326>

^{۷۹} <https://www.commondreams.org/tag/tulsi-gabbard>

^{۸۰} <https://time.com/article/2026/03/18/tulsi-gabbard-iran-nuclear-trump/>

^{۸۱} <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/resignation-letter-from-national-counterterrorism-center-director-joseph-kent>

^{۸۲} <https://www.foxnews.com/politics/trump-unleashes-obama-disaster-iran-nuclear-deal-honored-rip-apart>

^{۸۳} <https://www.commondreams.org/tag/oil>

قدرت، شخصیت‌های خاصی را دچار نوعی کژدیسی می‌کند و این کژدیسی به ویژه زمانی حادث می‌شود که قدرت مورد بحث نامحدود باشد یا به نظر برسد که نامحدود است. ترامپ و نتانیاهو با در اختیار داشتن زرادخانه‌های هسته‌ای، جهان را مانند دیگران تجربه نمی‌کنند. در دسترس بودن سلاح‌های هسته‌ای،^{۸۴} برای این خودشیفته‌های بدخیم، بار مسئولیت نیست، بلکه امتداد خودبزرگ‌بینی آنهاست: من می‌توانم هر کاری انجام دهم. من می‌توانم هر چیزی را نابود کنم. مرا تماشا کنید. نتانیاهو و ترامپ در مورد این بزرگ‌نمایی توهم‌آمیز، هیچ خویشتن‌داری نخواهند داشت.

ترامپ این حس مصونیت از مجازات را کاملاً درونی کرده است. در اول آوریل، او در مقابل دوربین‌ها ایستاد و قول داد که ایران را به گونه‌ای بمباران کند که «به عصر حجر، جایی که به آن تعلق دارند، بازگردد».^{۸۵} عبارت «جایی که به آن تعلق دارند» حکم مردی است که احساس می‌کند به طور الهی مجاز به قضاوت در مورد ارزش ۹۰ میلیون نفر است و بدون هیچ تردیدی آنها را غیرانسانی جلوه می‌دهد. او بارها تهدید کرده است که زیرساخت‌های برق غیرنظامی ایران را نابود خواهد کرد - یک جنایت جنگی طبق حقوق ناظر به مخاصمات - که آشکارا به عنوان یک موضع [چانه زنی] مذاکره‌ای، در معرض مخاطبان جهانی که عمدتاً کانال [توجه به وی] را تغییر داده‌اند، اعلام شده است.

نتانیاهو کشوری [مبتنی بر اشغالگری] را با دارا بودن حدود ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای، و اینکه هرگز پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا نکرده و تحت هیچ رژیم بازرسی بین‌المللی فعالیت نمی‌کند، فرماندهی می‌کند. او شاهد بوده است که ترامپ قدرت نظامی آمریکا را با تجاوزی مهارنشده به کار می‌گیرد و موافق است که هیچ عواقبی ندارد. جنون دوم، سومی را تغذیه می‌کند: وقتی قدرت با هیچ محدودیتی روبرو نیست، تنها کنترل درونی باقی‌مانده وجدان است و روان‌پریش^{۸۶} وجدان ندارد. فقدان وجدان خطرناک‌ترین آسیب‌شناسی از این سه است، زیرا همان چیزی است که آخرین ترمز درونی ممکن را از بین می‌برد. استراتژیستی که جنگی ناعادلانه را به راه می‌اندازد، ممکن است در نهایت محاسبه کند که هزینه‌ها از سودها بیشتر است و متوقف شود. خودشیفته‌ی بدخیمی که برای

^{۸۴} <https://www.commondreams.org/tag/nuclear-weapons>

^{۸۵} “back to the Stone Ages, where they belong.”

^{۸۶} The psychopath

منیت خود^{۸۷} جنگ به راه می‌اندازد، ممکن است در نهایت خواسته‌های نفس خویش را به پایان برساند و آنگاه متوقف شود. روان‌پریش به دلیل نداشتن محدودیت، [دائماً] در حال تصاعد [و بدتر شدن] است.

و اگر بتوانید باور کنید، اوضاع حتی بدتر هم می‌شود. هم ترامپ و هم نتانیاهو مدعی مسیح شدن هستند. آنها خود را نماینده خدا می‌دانند. برای آنها، توقف جنگ علیه ایران به معنای اشتباه خداست و مسیح خودخوانده نیز نمی‌تواند اشتباه باشد، زیرا مسیح و خدا، در روان خود بزرگ‌بینانه، عملاً یکی شده‌اند. هم ترامپ و هم نتانیاهو به صراحت این هویت مسیحایی را ادعا کرده‌اند. ترامپ خود را «برگزیده» نامیده است. او در مورد سوءقصد به جان‌ش در سال ۲۰۲۴ اعلام کرد: «من آن زمان احساس می‌کردم و اکنون که جانم به دلیلی نجات یافت، حتی بیشتر از قبل معتقدم. من توسط خدا نجات یافتم تا آمریکا را دوباره بزرگ کنم.» نتانیاهو نیز در سخنرانی خود در آستانه عید فصح، صرفاً به خدا متوسل نشد. او نقش خدا را در روایت خروج [مندرج در کتاب مقدس] از آن خود کرد - ده «دست‌آورد» را حاصل آنچه او «جنگ رستگاری»^{۸۸} می‌نامد، برشمرد و هر یک [از موارد هدف قرار گرفته] را طاعون^{۸۹} نامید. او قتل آیت‌الله خامنه‌ای را [...] «...فحاشی شایسته خود...» نامید.^{۹۰} او سپس به جهانیان هشدار داد: پس از ده بلای مصر، به شما یادآوری می‌کنم که فرعون همچنان سعی در آسیب رساندن به قوم اسرائیل داشت و همه ما می‌دانیم که این ماجرا چگونه به پایان رسید. در کتاب خروج [از متن مقدس]، این پایان، غرق شدن کل ارتش فرعون است. نتانیاهو در تلویزیون و به زبان کتاب مقدس، [با طرح یک چنین مزخرفاتی] ایران را به نابودی تهدید می‌کرد. اطراف هر یک از این مردان [متوهم چون ترامپ و نتانیاهو]، بارگاهی از چاپلوسان و متعصبان وجود دارد که وظیفه‌شان حفظ این توهم و جلوگیری از ورود واقعیت به ضمیر ناخودآگاه آنهاست.

دربارِ ترامپ: هگرت، هاکبی و ملی‌گرایان مسیحی

پیت هگرت، وزیر دفاع، پنتاگون را به صحنه جنگ مقدس تبدیل کرده است. او یک خالکوبی صلیب اورشلیم را روی سینه خود و کلمات "Deus Vult" یا (خدا اراده کند) "God Wills" یا شعار جنگ‌های صلیبی قرون وسطی را روی بازوی خود دارد. او میزبان مراسم عبادت ماهانه مسیحیان در سالن پنتاگون است. او از مردم آمریکا

^{۸۷} For ego

^{۸۸} War of Redemption

^{۸۹} plague

^{۹۰} Plague of the Firstborn

خواسته است که "هر روز، با زانوهای خم شده" برای پیروزی نظامی در خاورمیانه "به نام عیسی مسیح" دعا کنند. در یکی از این مراسم، او با صدای بلند از نیروهای آمریکایی خواست تا اعمال زیر را انجام دهند:^{۹۱}

خشونت کوبنده علیه کسانی که شایسته هیچ رحمی نیستند... ما این خواسته‌ها را با اعتمادی جسورانه به نام قدرتمند و توانای عیسی مسیح درخواست می‌کنیم.

هگزت در یک نشست مطبوعاتی درباره جنگ ایران گفت^{۹۲} که ایالات متحده «با بمب مذاکره می‌کند». او رهبران ایران را «متعصبان مذهبی» توصیف کرد که به دنبال توانایی هسته‌ای برای «نوعی آخرالزمان مذهبی» هستند، در حالی که ریاست مراسم دعای ماهانه در پنتاگون را بر عهده داشت و اعلام کرد که «مشیت خدای متعال ما آنجاست که از آن سربازان محافظت می‌کند». به نظر می‌رسد او از آینده‌ای که در دست دارد، آگاهی ندارد. وزیر دفاعی که به نام عیسی برای «خشونت فراگیر» دعا می‌کند، در حالی که دشمنان خود را متعصبان مذهبی می‌نامد، کلمه «فراکنی» را معنا کرده است.

مایک هاکبی،^{۹۳} سفیر ایالات متحده در اسرائیل، معماری الهیاتی را ارائه می‌دهد. هاکبی، یک کشیش باپتیست و یک صهیونیست مسیحی پرشور،^{۹۴} معتقد است که مخاصمه اسرائیل و ایران تحقق پیشگویی کتاب مقدس است - گامی ضروری به سوی عروج و ظهور مجدد مسیح.^{۹۵} او پیامی برای ترامپ فرستاد - که ترامپ سپس آن را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرد - و آن لحظه را با ترومن در سال ۱۹۴۵ و انداختن بمب‌های اتمی بر ژاپن مقایسه کرد و از ترامپ خواست که به «صدای او»، یعنی خدا، گوش دهد. در مصاحبه‌ای، از هاکبی در مورد اعطای زمین‌های کتاب مقدس از نیل تا فرات - شامل لبنان، سوریه، اردن و بخش‌هایی از عربستان سعودی و عراق - و اینکه آیا اسرائیل حق الهی بر همه آنها دارد، سوال شد. پاسخ او صریح بود: «اگر همه چیز را می‌گرفتند، خوب بود.

اسموتریچ، وزیر دارایی راست افراطی اسرائیل، به نوبه خود در رسانه‌های اجتماعی نوشت:^{۹۶} «من ♥ هاکبی هستم». جان هاگی، کشیش صهیونیست مسیحی،^{۹۷} که سازمانش «مسیحیان متحد برای اسرائیل»^{۹۸} محرک اصلی حمایت

^{۹۱} <https://publicwitness.wordandway.org/p/at-pentagon-worship-service-hegseth>

^{۹۲} <https://www.youtube.com/watch?v=IzY9dU0wDd8>

^{۹۳} Mike Huckabee

^{۹۴} A Baptist minister and avid Christian Zionist

^{۹۵} The Rapture and the second coming of Christ

^{۹۶} <https://x.com/Aljarmaqnetnews/status/2025634789944955012>

^{۹۷} Christian Zionist pastor John Hagee

^{۹۸} Christians United for Israel

انجیلی ایالات متحده از جنگ‌های اسرائیل بوده است، به جنگ ایران نگاه کرد و به سادگی گفت: «از نظر تفسیر پیامبرانه [و پیشگویانه]، ما درست حدس زده‌ایم.»^{۹۹}

فرانکلین گراهام،^{۱۰۰} در مراسم دعای عید پاک کاخ سفید، توهمات مسیحایی ترامپ را تقویت کرد:^{۱۰۱} «امروز ایرانی‌ها، رژیم شرور این حکومت، می‌خواهد هر یهودی را بکشد و آنها را با آتش اتمی نابود کند.»^{۱۰۲} اما شما رئیس جمهور ترامپ را بزرگ کرده‌اید. شما او را برای چنین زمانی رشد داده‌اید. و پدر، ما دعا می‌کنیم که شما به او پیروزی بدهید.»

دربار نتانیا‌هو: بن‌گویر، اسموت‌ریچ و شهرک‌نشینان مسیحایی

در سمت اسرائیلی، دربار داخلی متشکل از دو چهره است که رادیکالیسم آنها چنان افراطی است که تا زمانی که نتانیا‌هو از آرای آنها برای ماندن در قدرت استفاده نکرد، از نظر سیاسی مطرود محسوب می‌شدند. ای‌تامار بن‌گویر، وزیر امنیت ملی، از تحسین‌کنندگان خاخام فوت شده مئیر کاهان^{۱۰۳} است که حزب کاج او به عنوان یک سازمان تروریستی تعیین شده است. بزلال اسموت‌ریچ، وزیر دارایی، [فرد دومی است که] ایدئولوژی خود را از خاخام زوی یهودا کوک^{۱۰۴} می‌گیرد که معتقد بود پیروزی نظامی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ از جانب خدا مقرر شده و شهرک‌سازی در سرزمین‌های فلسطینی خواست خداست. آنها در کنار هم ۲۰ کرسی در ائتلاف ۶۷ کرسی نتانیا‌هو را در اختیار دارند. آنها صرفاً به نخست‌وزیر مشاوره نمی‌دهند، بلکه در باورها و دیدگاه‌های مسیحایی او سهیم هستند.

بن‌گویر از کنترل خود بر پلیس اسرائیل برای فعال کردن شبه‌نظامیان شهرک‌نشین علیه فلسطینی‌ها در کرانه باختری استفاده کرده است. او دائماً مذاکرات آتش‌بس را مسدود کرده و آشکارا مسئولیت تأخیر در آنها را بر عهده گرفته است. او در مخالفت با وضع موجود که دهه‌ها حفظ شده بود، برای حقوق آیینی یهودیان در تپه معبد^{۱۰۵} تلاش

^{۹۹} <https://theconversation.com/as-iran-war-expands-some-conservative-christians-interpret-the-conflict-through-biblical-prophecies-277488>

^{۱۰۰} Franklin Graham

^{۱۰۱} <https://www.france24.com/en/live-news/20260403-for-some-around-trump-war-on-iran-is-a-christian-calling>

^{۱۰۲} خود به خوبی می‌دانند که دروغ می‌گویند و هیچ سلاح اتمی در کار نیست و دستگاه‌های اطلاعاتی کشور خودشان این مهم را مورد اذعان قرار داده‌اند اما با این روش‌های فاشیستی، مخاطبان نادان را تحت تأثیر قرار می‌دهند آن هم در پوشش مراسم دینی. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۰۳} Rabbi Meir

^{۱۰۴} Rabbi Zvi Yehuda Kook

^{۱۰۵} Temple Mount

کرد، اقدامی که مقامات امنیتی اسرائیل هشدار دادند که مستقیماً به خونریزی منجر خواهد شد. در اوت ۲۰۲۳، او اعلام کرد:^۶ «حق من، و حق همسر و فرزندانم برای تردد در جاده‌های یهودا و سامره، از حق تردد اعراب مهم‌تر است.» بریتانیا، کانادا، استرالیا، نیوزیلند، نروژ، اسلونی، هلند و اسپانیا همگی او را به دلیل تحریک خشونت تحریم کرده‌اند، اما ایالات متحده، تحت رهبری مارکو روبیو، از بن‌گویر دفاع کرد و از این تحریم‌ها انتقاد کرد.

اسموتریچ روشمندتر از این دو است: کمتر نمایشی و خطرناک‌تر. او به طور نظام‌مند حکومت غیرنظامی کرانه باختری را از ارتش اسرائیل به وزارتخانه خود منتقل کرده و صدها میلیون شِکل را به زیرساخت‌های شهرک‌نشینان اختصاص داده است، در حالی که بودجه‌های تشکیلات خودگردان فلسطین عمداً خفه می‌شوند. او به دفتر خود دستور داده است تا «یک طرح عملیاتی برای اعمال حاکمیت» بر کرانه باختری تدوین کند. در طول جنگ ایران، او از اسرائیل خواست تا جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی ضمیمه کند و اعلام کرد که جنگ «باید با واقعیتی کاملاً متفاوت پایان یابد.» ایدئولوژی اسموتریچ از آموزه‌های کوک^۷ الهام می‌گیرد که طرح شهرک‌سازی سیاسی نیست، بلکه مقدس است - یک تعهد الهی که باید صرف نظر از حقوق بین‌الملل، حقوق فلسطینیان یا نظر جهان تکمیل شود. مرزهای ۱۹۶۷، در این الهیات، یک واقعیت نظامی موقت نیستند. آنها کار ناتمام خدا هستند.

رشدیافتگان جهان باید سعی کنند جلوی این دیوانگی را بگیرند

نه بن‌گویر و نه اسموتریچ، پیش از آنکه نتانیاهو با آوردن آنها به دولت و دربار داخلی خود، مشروعیتی به آنها بدهد، چیزی بیش از یک افراط‌گرای حاشیه‌ای^۸ نبودند. او به آنها قدرت بر جامعه اسرائیل داد و آنها به او قدرت آتش ملی-مذهبی دادند تا جنگ‌هایش را مأموریتی الهی بنامد. در این چشم‌انداز جنگ مقدس، یک صدا با ظرافت و وضوح به عنوان نجات‌بخش جهان سخن گفته است. پاپ لئو چهاردهم پیوسته خواستار پایان خشونت بوده است. او در مراسم عشای ربانی پنجشنبه مقدس در رم، به موضوع تکبر قدرت پرداخت:^۹ «ما تمایل داریم وقتی تسلط داریم، خود را قدرتمند، وقتی افراد برابر خود را نابود می‌کنیم، خود را پیروز و وقتی از ما می‌ترسند، بزرگ بدانیم. خدا به ما سرمشقی داده است - نه از چگونگی تسلط، بلکه از چگونگی آزادسازی؛ نه از چگونگی نابودی زندگی، بلکه از چگونگی بخشیدن آن.»

^۶: <https://www.aljazeera.com/news/2023/8/24/ben-gvir-says-israeli-rights-trump-palestinian-freedom-of-movement>

^۷: Kook's teaching

^۸: Fringe extremist

^۹: <https://www.ncronline.org/vatican/vatican-news/pope-leos-holy-thursday-marks-return-pre-francis-era-practice>

در یکشنبه نخل، پاپ دوباره صریح گفت^{۱۰} که عیسی «به دعا‌های جنگ‌افروزان گوش نمی‌دهد، بلکه آنها را رد می‌کند». هگزت با برگزاری مراسم عبادت دیگری در پنتاگون، جایی که دوباره به نام مسیح برای «خشونت فراگیر» دعا کرد، به لفاظی خود ادامه داد.

پروفسور جان مرشایمر دقیقاً بیان کرده است^{۱۱} که جنایاتی که اکنون ترامپ و نتانیاهو مرتکب می‌شوند، همان جنایاتی هستند که رهبری نازی به خاطر آنها در نورنبرگ به دار آویخته شد: جنگ تجاوزکارانه، الحاق سرزمین‌های خارجی، هدف قرار دادن عمدی زیرساخت‌های غیرنظامی و مجازات جمعی [مردم]. این زیاده‌روی در ادبیات بیانی نیست. اینها طبقه بندی‌های قانونی هستند. دادگاه نورنبرگ جرم تجاوز را «جرم اعظم بین‌المللی»^{۱۲} نامید - جرمی که «در خود شرا نداشته شده کل را در بر می‌گیرد» - زیرا این جرمی است که همه جنایات دیگر را ممکن می‌سازد. این مردان [جنایتکار] در سخنرانی‌هایی که توسط رسانه‌های بین‌المللی پخش شد، علناً به ارتکاب آن اعتراف کرده‌اند.

سازوکارهای نهادی که برای جلوگیری از دقیقاً این نوع فاجعه وجود دارند، از جمله شورای امنیت سازمان ملل، دیوان کیفری بین‌المللی، رژیم عدم اشاعه و موازین ناظر به مخاصمات مسلحانه، به طور فعال توسط ایالات متحده در حال تخریب هستند. در چنین وضعیتی، رشد یافتگان جهان باید سعی کنند جلوی این جنون را بگیرند. تلاش چندجانبه در اسلام‌آباد، شامل وزرای امور خارجه پاکستان، ترکیه، مصر و عربستان سعودی، که در کنار ابتکار صلح پنج ماده‌ای چین و پاکستان فعالیت می‌کنند، یک شروع مهم است. باید با تمام توان کشورهای عضو بریکس، مجمع عمومی سازمان ملل و هر کشوری که مایل به زندگی در جهانی است که توسط قوانین اداره می‌شود نه توسط توهّمات دو خودشیفته بدخیم، به آن بپیوندند. وقتی رهبران دیوانه از فاجعه الهی به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌کنند، فقط دشمنان آنها نیستند که از پا در می‌آیند، همه ما قربانی طاعون‌های نتانیاهو و بمباران ایران توسط ترامپ تا [توهم بازگشت به] عصر حجر خواهیم شد، مگر اینکه رهبران دیگر محدودیت‌هایی برای این دو دیوانه ایجاد کنند.

^{۱۰} <https://www.vaticannews.va/en/pope/news/2026-03/pope-leo-xiv-celebrates-palm-sunday-mass-rome.html>

^{۱۱} <https://www.youtube.com/watch?v=YKqf-3h0hM8>

^{۱۲} Supreme international crime

پایان دادن به جنگ ترامپ-نتانیاهو در خاورمیانه

اگر به زودی متوقف نشود، این جنگ می‌تواند به راحتی به یک آتش‌سوزی جهانی و عملاً به جنگ جهانی سوم تبدیل شود.

نوشته دکتر جفری ساکس، استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل / خانم ساییل فارس، مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل متحد

(نشر در شانزدهم مارس ۲۰۲۶ برابر با بیست و پنجم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، کل خاورمیانه را در بر گرفته و می‌تواند به جنگ جهانی تبدیل شود. پیامدهای اقتصادی آن از قبل شدید بوده و می‌تواند فاجعه‌بار شود. تنگه هرمز تقریباً یک پنجم کل نفت معامله شده در سطح جهان و ۳۰ درصد از گاز طبیعی مایع جهان را منتقل می‌کند. بسته شدن مداوم این تنگه، شوک انرژی بی‌سابقه‌ای را در دنیای مدرن ایجاد خواهد کرد. این درگیری احتمالاً از کنترل خارج خواهد شد، زیرا ایالات متحده و اسرائیل مصمم به هژمونی/سیطره در جهان عرب و غرب آسیا هستند - سیطره‌ای که گسترش ارضی اسرائیل را با کنترل رژیم تحت حمایت آمریکا در سراسر منطقه ترکیب می‌کند. هدف نهایی، اسرائیل بزرگی است که تمام فلسطین تاریخی را به همراه دولت‌های مطیع عربی و اسلامی که از حاکمیت واقعی، از جمله در مورد نحوه و محل صادرات نفت و گاز خود محروم شده‌اند، در خود جذب کند.

این یک خیال‌پردازی^{۱۳} است. هیچ کشوری در منطقه نمی‌خواهد اسرائیل به شیوه‌ای که در حال انجام آن است، وحشی‌گری کند، غیرنظامیان را در سراسر منطقه به قتل برساند، غزه و کرانه باختری را ویران کند، به لبنان حمله کند، به عراق و یمن حمله کند و تهران را بمباران گسترده کند. هیچ کشوری نمی‌خواهد صادرات هیدروکربن خود را تحت کنترل مؤثر ایالات متحده قرار دهد. جنگ پایان خواهد یافت اگر و تنها اگر انزجار جهانی از تجاوز ایالات متحده و اسرائیل، این کشورها را مجبور به توقف کند. به غیر از این، احتمالاً خاورمیانه را در شعله‌های آتش و جهان را در بحران انرژی و اقتصادی بی‌سابقه‌ای در تاریخ مدرن خواهیم دید. این جنگ به راحتی می‌تواند به یک

^{۱۳} Delusional

آتش سوزی جهانی، عملاً به جنگ جهانی سوم تبدیل شود. با این حال، یک جایگزین وجود دارد. اگر اسرائیل و ایالات متحده قاطعانه توسط بقیه جهان پاسخگو شوند، جنگ می تواند به دلایل منطقی متوقف شود. پایان دادن به جنگ نیازمند مجموعه ای از گام های به هم پیوسته برای تأمین امنیت اساسی برای همه طرف ها و در واقع برای جهان است. ایران به پایان دائمی تجاوز ایالات متحده و اسرائیل نیاز دارد. کشورهای خلیج [فارس] به پایان حملات تلافی جویانه ایران نیاز دارند.

فلسطینی ها به یک کشور مستقل نیاز دارند. اسرائیل به امنیت پایدار و خلع سلاح حماس و حزب الله نیاز دارد. تمام جهان به باز شدن تنگه هرمز و نظارت بین المللی بر برنامه هسته ای ایران نیاز دارد تا اطمینان حاصل شود که این کشور به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای پایبند است، همانطور که ایران می گوید می خواهد این کار را انجام دهد. و همه کشورها حاکمیت واقعی برای خود و منطقه خود می خواهند، یا باید بخواهند. امنیت جمعی می تواند در پنج اقدام مرتبط با هم حاصل شود:

اول، ایالات متحده و اسرائیل فوراً به تجاوز مسلحانه خود در سراسر منطقه پایان دهند و نیروهای خود را خارج کنند.

دوم، ایران حملات تلافی جویانه خود را در سراسر [منطقه مربوط به حوزه] شورای همکاری خلیج [فارس] متوقف کند و تحت یک برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) اصلاح شده که رئیس جمهور ترامپ بی پروا در سال ۲۰۱۸ آن را رها کرد، دوباره تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار گیرد.

سوم، تنگه هرمز با توافق متقابل ایران و شورای همکاری خلیج [فارس] بازگشایی شود .

چهارم، راه حل دو کشور با پذیرش فلسطین به عنوان یک کشور عضو کامل سازمان ملل متحد فوراً اجرا شود . اسرائیل ملزم به پایان دادن به اشغال کرانه باختری و اورشلیم شرقی و خروج نیروهای خود از لبنان و سوریه خواهد بود .

پنجم، به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط سازمان ملل متحد، پایه و اساس خلع سلاح جامع منطقه ای همه بازیگران غیردولتی را تشکیل می دهد که تحت نظارت بین المللی قابل تأیید است. نتیجه نهایی، بازگشت به حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل خواهد بود.

چه کسی در این طرح برنده خواهد شد؟ مردم منطقه، اسرائیل، فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، ایران و سایر نقاط جهان. چه کسی بازنده خواهد بود؟ فقط حامیان اسرائیل بزرگ، به رهبری بنیامین نتانیاهو، ایتامار بن گویر، بزلال اسموتریچ و مایک هاکی که جهان را به آستانه نابودی کشانده‌اند. در اینجا پنج مرحله [طرح مورد نظر] با جزئیات بیشتر آمده است.

اول: پایان دادن به تجاوز مسلحانه آمریکا و اسرائیل

اسرائیل و آمریکا تجاوز خود را متوقف کرده و نیروهای خود را عقب می‌کشند. در عوض، ایران حملات تلافی جویانه خود را متوقف می‌کند. این صرفاً یک آتش‌بس نخواهد بود بلکه اولین گام برای یک توافق صلح کلی و ترتیبات امنیتی جمعی خواهد بود.

دوم: بازگشت به برجام

مسئله هسته‌ای از طریق نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حل خواهد شد، نه از طریق بمباران‌هایی که صرفاً اورانیوم غنی‌شده ایران را فراتر از نظارت بین‌المللی قرار می‌دهد. شورای امنیت سازمان ملل متحد بلافاصله چارچوب اساسی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) سال ۲۰۱۵ را که طبق آن ایران باید به شدت از نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و محدودیت‌های توافق‌شده بر برنامه هسته‌ای خود پیروی کند، مجدداً برقرار خواهد کرد، در حالی که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران لغو می‌شود.

سوم: بازگشایی تنگه هرمز در چارچوب ایران و شورای همکاری خلیج [فارس]

تنگه هرمز به سرعت بازگشایی خواهد شد و عبور امن آن به طور مشترک توسط ایران و شورای همکاری خلیج [فارس] تضمین می‌شود. کشورهای شورای همکاری خلیج [فارس] حاکمیت خود را بر پایگاه‌های نظامی در کشورهایشان اعمال خواهند کرد تا اطمینان حاصل شود که از این پایگاه‌ها به عنوان سکوی پرتاب برای حملات تهاجمی مجدد علیه ایران استفاده نخواهد شد.

چهارم: راه حل دو کشوری

راه حل دو کشوری با پذیرش فلسطین به عنوان صد و نود و چهارمین کشور عضو دائم سازمان ملل متحد اجرا خواهد شد. این امر مستلزم چیزی بیش از لغو وتوی ایالات متحده نیست. تشکیل کشور فلسطین مطابق با حقوق بین‌الملل و با ابتکار صلح عربی است که از سال ۲۰۰۲ مطرح بوده است. در عوض، کشورهای منطقه روابط

دیپلماتیک با اسرائیل برقرار خواهند کرد و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیروهای حافظ صلح را برای تضمین امنیت فلسطین و اسرائیل معرفی خواهد کرد.

پنجم: پایان دادن به جنگ مسلحانه

در کنار راه حل دو کشوری، تمام جنگ‌های مسلحانه در منطقه، از جمله خلع سلاح حماس، حزب الله و سایر بازیگران مسلح غیردولتی، فوراً پایان می‌یابد.^۴ در مورد فلسطین، خلع سلاح حماس، اقتدار دولت فلسطین را تقویت می‌کند. در مورد لبنان، خلع سلاح حزب الله، حاکمیت کامل لبنان را احیا می‌کند و نیروهای مسلح لبنان تنها مرجع نظامی در کشور خواهند بود. خلع سلاح توسط ناظران بین‌المللی تأیید و توسط شورای امنیت سازمان ملل تضمین می‌شود. نکته کلیدی این است که جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران در خلاء رخ نداده است. راهبرد «شکست کامل»^{۱۵} که توسط نتانیاهو و حامیان نئوکان آمریکایی او در سال ۱۹۹۶ تدوین و از آن زمان به اجرا درآمده است، از اسرائیل می‌خواهد که از طریق جنگ‌های تغییر رژیم، با ایالات متحده به عنوان شریک اجرایی، هژمونی / سیطره خود را در منطقه برقرار کند. همانطور که وسلی کلارک،^{۱۶} فرمانده عالی ناتو، پس از یازده سپتامبر فاش کرد، ایالات متحده ربع قرن پیش نقشه‌هایی را برای سرنگونی دولت‌ها در هفت کشور طراحی کرده بود: «شروع با عراق، و سپس سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و در نهایت ایران.» بنابراین، ما در اوج یک نقشه دیرینه توسط اسرائیل و ایالات متحده برای تسلط بر جهان عرب و غرب آسیا، ایجاد یک اسرائیل بزرگ و مسدود کردن دائمی تشکیل کشور فلسطین زندگی می‌کنیم.

ما در مورد احتمال موفقیت طرح خود خوشبین نیستیم.

دولت اسرائیل قاتل است و ترامپ در مورد قدرت ایالات متحده دچار توهم است. شاید ما در حال حاضر در روزهای اولیه جنگ جهانی سوم هستیم. با این حال، از آنجا که خطرات بسیار زیاد است، ارائه راه‌حل‌های واقعی حتی اگر دور از دسترس باشند، ارزش دارد. با این حال، ما معتقدیم که جهان غیرغربی - بخشی که کشورهای

^{۱۴}. بر خلاف این آینده نگری خوش بینانه نویسنده، بسیاری از ناظران بر این باورند که حتی اگر ایده دو کشوری محقق شود باز هم بعید است اسرائیل به جنایات خود ادامه ندهد و ملت‌های دیگر از جمله مردم فلسطین یا لبنان یا سوریه را و ندارد که برای دفاع از خویش دست به مقاومت مشروع زنند و در چنین وضعیتی، سخن از خلع سلاح این گروه یا آن گروه مردمی که به نمایندگی از ملت خویش در مقابل جنایتکاران ایستادگی می‌کند نیز ره به جایی نخواهد برد. در ادامه متن، خود نویسنده نیز این واقعیت را مد نظر قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که به اجرای طرح خویش خوشبین نیست چرا که اسرائیل مانع همه صلح طلبی هاست. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۵} https://www.dougfeith.com/docs/Clean_Break.pdf

^{۱۶} https://www.democracynow.org/2007/3/2/gen_wesley_clark_weighs_presidential_bid

دست نشانده قدرت ایالات متحده نیستند - فوریت صلح و امنیت را درک می‌کند. پس چه کسی می‌تواند از طرح صلحی حمایت کند که ایالات متحده و اسرائیل با تمام ابزارهای موجود در برابر آن مقاومت کنند، تا زمانی که وزن مخالفت جهانی و فاجعه اقتصادی چاره‌ای جز پذیرش آن برای آنها باقی نگذارد؟ یک گروه اصلی وجود دارد و آن کشورهای بریکس هستند. برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی و اعضای گسترش یافته این بلوک که اکنون شامل امارات متحده عربی، ایران، مصر، اتیوپی و اندونزی می‌شود، تقریباً نیمی از جمعیت جهان و بیش از ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهند (در مقایسه با ۲۸ درصد برای کشورهای گروه ۷ که بسیار از آن دم زده اما بیش از حد بزرگ‌نمایی شده هستند). گروه بریکس از اعتبار، وزن اقتصادی و فقدان هرگونه همدستی تاریخی در امپریالیسم خاورمیانه برخوردار است؛ عواملی که می‌توانند جهان را به خود بیاورند. گروه بریکس باید یک اجلاس اضطراری تشکیل دهد و یک چارچوب واحد شامل شرایط صلح و امنیت ارائه دهد که به نوبه خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شود. در آنجا، افکار عمومی جهان به ایالات متحده و اسرائیل خواهد گفت که از سوق دادن جهان به سمت فاجعه دست بردارند و به همه کشورها یادآوری خواهد کرد که به منشور سازمان ملل متحد پایبند باشند.

این حمله غیرقانونی آمریکا و اسرائیل به ایران، حمله‌ای به سازمان ملل متحد نیز هست

بیا باید در مورد آنچه ایالات متحده و اسرائیل دنبال می‌کنند، شفاف باشیم. هدف ایالات متحده امنیت مردم آمریکا نیست. هدف، هژمونی/سیطره جهانی است. تلاش برای نابودی سازمان ملل و حاکمیت حقوق بین‌الملل است - تلاشی که شکست خواهد خورد.

نوشته دکتر جفری ساکس، استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل / خانم ساییل فارس، مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل متحد

(نشر در دوم مارس ۲۰۲۶ برابر با یازدهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

در ۱۶ فوریه ۲۰۲۶، یکی از ما (جفری ساکس) نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کرد و هشدار داد که ایالات متحده در آستانه پاره کردن منشور سازمان ملل متحد است. این هشدار اکنون به واقعیت پیوسته است. ایالات متحده و اسرائیل با نقض آشکار ماده ۲(۴) منشور، بدون مجوز شورای امنیت و بدون هیچ ادعای مشروع دفاع از خود طبق ماده ۵۱، جنگی بی‌دلیل علیه ایران آغاز کرده‌اند. آنها در تلاشند تا منشور سازمان ملل و حاکمیت حقوق بین‌الملل را از بین ببرند، اما شکست خواهند خورد. در شورای امنیت در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ایالات متحده و متحدانش محکومیت خود را نه متوجه تجاوز آمریکا و اسرائیل، بلکه متوجه ایران کردند. متحدان ایالات متحده یکی پس از دیگری ایران را به خاطر حملات تلافی‌جویانه‌اش محکوم کردند، اما به طرز مضحکی از محکوم کردن حمله غیرقانونی و بی‌دلیل ایالات متحده و اسرائیل به ایران خودداری کردند. این عملکرد کشورهای مزبور شرم‌آور بود و واقعیت را کاملاً وارونه جلوه داد.

حملات مشترک آمریکا و اسرائیل توسط ترامپ ضروری توصیف شد زیرا ایران «هر فرصتی را برای دست کشیدن از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود رد کرد و ما دیگر نمی‌توانیم آن را تحمل کنیم». این البته یک دروغ آشکار است. همانطور که در نامه ۱۶ فوریه [جفری ساکس خطاب به شورای امنیت] آمده است، ایران یک دهه پیش با توافق

هسته‌ای، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^{۱۷} که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۲۳۱ تصویب شده بود، موافقت کرد. این ترامپ بود که در سال ۲۰۱۸ این توافق را پاره کرد. در ژوئن ۲۰۲۵، اسرائیل در بحبوحه مذاکرات ایران و آمریکا، ایران را بمباران کرد. این بار نیز، برنامه‌های جنگی اسرائیل و آمریکا هفته‌ها پیش، زمانی که نتانیاهو با ترامپ ملاقات کرد، تعیین شده بود و مذاکرات جاری بین آمریکا و ایران یک نمایش بود. به نظر می‌رسد این روش جدید ایالات متحده است: مذاکرات را شروع کنید و سپس هدف خود را کشتن طرف مقابل قرار دهید.

به راحتی می‌توان فهمید که چرا متحدان ایالات متحده به شیوه شرم‌آور و خودخواهانه‌ای که در شورای امنیت سازمان ملل انجام دادند، رفتار می‌کنند. علاوه بر ایالات متحده، هشت کشور از چهارده عضو دیگر شورا میزبان پایگاه‌های نظامی ایالات متحده هستند یا به ارتش ایالات متحده دسترسی به پایگاه‌های محلی را می‌دهند: بحرین، کلمبیا، دانمارک، فرانسه، یونان، لتونی، پاناما و بریتانیا. این کشورها کاملاً مستقل نیستند. آنها تا حدی توسط ایالات متحده اداره می‌شوند. پایگاه‌های نظامی ایالات متحده محل عملیات سیا هستند و کشورهای میزبان دائماً مراقبت از خرابکاری ایالات متحده در کشورهای خود جلوگیری کنند.

همانطور که هنری کیسینجر جمله معروفی دارد: «دشمن آمریکا بودن ممکن است خطرناک باشد، اما دوست آن بودن گشاده است.» می‌توانیم اضافه کنیم که میزبانی از پایگاه‌های نظامی آمریکا و عملیات‌های سیا به معنای تبدیل کشور به یک کشور دست‌نشانده^{۱۸} است.

به عنوان یک مثال مضحک اما گویا^{۱۹}، سفیر دانمارک هر نکته‌ای از صحبت‌های ایالات متحده را طوطی‌وار تکرار کرد و انگشت خود را به سمت ایران به خاطر تجاوزش نشانه گرفت، گویی ایران مورد حمله ایالات متحده و اسرائیل قرار نگرفته است. او کاملاً فراموش کرد که چنین دست‌نشانده‌گی تحقیرآمیزی به ایالات متحده، اگر ایالات متحده گرینلند را اشغال کند، برای دانمارک کاربرد خوبی در پی نخواهد داشت.

صداهای صادقانه در شورای امنیت از کشورهای شنیده شد که توسط ایالات متحده اشغال نشده بودند. روسیه به درستی توضیح داد که آنچه غرب نامیده می‌شود (یعنی کشورهای اشغال شده توسط ایالات متحده) وقتی انگشت اتهام خود را به سمت ایران نشانه می‌رود، در واقع قربانی را مقصر جلوه می‌دهد. چین به شورا یادآوری کرد که

^{۱۷} <https://main.un.org/securitycouncil/en/content/2231/background>

^{۱۸} vassal state

^{۱۹} Absurd but telling

بحران با حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران آغاز شد، نه با انتقام ایران. سفیر سومالی، که از طرف چندین کشور عضو آفریقایی صحبت می‌کرد، به درستی منبع این تشدید اخیر را به تصویر کشید. نماینده اتحادیه کشورهای عرب در سازمان ملل متحد، به طرز درخشانی درباره ریشه اصلی تجاوز دیوانه‌وار اسرائیل صحبت کرد: انکار حقوق مردم فلسطین، و استفاده اسرائیل از قتل عام و جنگ منطقه‌ای برای جلوگیری از ظهور کشور فلسطین.

وقتی ایران علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس اقدام به تلافی می‌کند، در واقع از حق ذاتی دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور استفاده می‌کند. باید به یاد داشته باشیم که ایالات متحده و اسرائیل آشکارا و مکرراً رهبران ایران را با هدف سرنگونی دولت آن ترور می‌کنند. وقتی [برخی] دولت‌ها رئیس یک دولت خارجی را به قتل می‌رسانند و سعی در نابودی دولت [مورد نظر] دارند، هدف این تهدیدها طبق حقوق بین الملل حق دفاع از خود را دارد.

بمباران‌های ایالات متحده و اسرائیل نه تنها رهبر عالی ایران و چندین مقام ارشد دولتی، بلکه بیش از ۱۴۰ دختر جوان را در مدرسه‌شان در میناب به قتل رساند. این کودکان خردسال قربانی یک جنایت جنگی وحشتناک شدند. کشورهایی که امروز به ایالات متحده و اسرائیل برای این قتل‌ها مجوز دادند - به ویژه دانمارک، فرانسه، لتونی، بریتانیا و البته [مسئولین خود] ایالات متحده - نیز در این جنایت جنگی همدست هستند.

این جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل احتمالاً به عنوان روزی که سازمان ملل متحد دیگر از مقرر خود در خاک آمریکا فعالیت نمی‌کند، به یاد خواهد ماند. یک سازمان بین‌المللی که به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اختصاص دارد، نمی‌تواند به طور معتبر در کشوری که جنگ‌های غیرقانونی به راه می‌اندازد، کشورهای عضو را به نابودی تهدید می‌کند و با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به عنوان ابزارهای یک‌بار مصرف و مصلحتی رفتار می‌کند، به فعالیت پردازد.

برای اینکه سازمان ملل متحد زنده بماند، و ما به آن نیاز داریم، به چندین مقرر در سراسر جهان - در برزیل، چین، هند، آفریقای جنوبی و سایر کشورها - نیاز دارد تا چندقطبی واقعی جهان ما را گرامی بدارند.

بگذارید در مورد آنچه ایالات متحده و اسرائیل دنبال می‌کنند، شفاف باشیم. هدف ایالات متحده امنیت مردم آمریکا نیست. هدف، هژمونی / سیطره جهانی است. تلاش برای نابودی سازمان ملل و حاکمیت حقوق بین الملل است - تلاشی که شکست خواهد خورد. هدف اسرائیل ایجاد اسرائیل بزرگ، نابودی مردم فلسطین و اعمال

هژمونی / سیطره خود بر صدها میلیون عرب در سراسر خاورمیانه (از نیل تا فرات، همانطور که سفیر ایالات متحده، مایک هاکی، اخیراً اظهار داشت)^{۲۰} است.

تلاش‌های توهم‌آلود ایالات متحده برای هژمونی / سلطه جهانی، منطقه به منطقه در حال پیشرفت است. ایالات متحده اخیراً، در یک احیای کاملاً تحریف‌شده و ظاهراً تحریف از دکترین مونرو، ادعا کرده است که نیمکره غربی را کنترل می‌کند و می‌تواند نحوه اداره امور اقتصادی و سیاسی کشورهای آمریکای لاتین را دیکته کند. ایالات متحده رئیس‌جمهور ونزوئلا را برای اثبات این موضوع ربود و اکنون تهدید به سرنگونی دولت کوبا نیز می‌کند.

جنگ امروز علیه ایران با هدف اثبات این است که ایالات متحده به طور مشابه مالک خاورمیانه است. این جنگ بخشی از یک کارزار ۳۰ ساله است که با دکترین «جدایی کامل»^{۲۱} آغاز شده است و هدف آن سرنگونی تمام دولت‌هایی است که با هژمونی / سیطره آمریکا و اسرائیل در منطقه مخالفند. این جنگ‌های مشترک اسرائیل و آمریکا شامل نسل‌کشی در غزه، اشغال کرانه باختری و دهه‌ها جنگ و عملیات تغییر رژیم در ایران، عراق، لبنان، لیبی، سومالی، سودان، سوریه و یمن بوده است.

یکی از بخش‌های طرح جهانی ایالات متحده، کنترل صادرات نفت جهان و تضعیف چین و روسیه در این فرآیند است. تصرف ونزوئلا توسط ایالات متحده برای تضمین کنترل آمریکا بر صادرات نفت آن کشور، به ویژه برای کنترل جریان نفت به چین، طراحی شده بود. تحریم‌های ایالات متحده علیه روسیه با هدف جلوگیری از رسیدن نفت روسیه به هند و چین اعمال می‌شود. اکنون ایالات متحده قصد دارد جریان نفت ایران به چین را متوقف کند. به طور گسترده‌تر، ایالات متحده قصد دارد کل منطقه خلیج فارس به علاوه ایران را کنترل کند تا سلطه امپراتوری خود را حفظ کند.

نظم بین‌المللی که فرانکلین و النور روزولت پس از فاجعه جنگ جهانی دوم به ایجاد آن کمک کردند، بر اساس یک ایده ساده و عمیق بنا نهاده شد - اینکه قانون و احترام، نه زور، باید بر روابط بین کشورها حاکم باشد. این ایده اکنون توسط همان کشوری که بیشترین تلاش را برای ترویج آن در تأسیس سازمان ملل متحد انجام داد، در حال نابودی است. طنز ماجرا فراتر از حد تصور، تلخ است.

^{۲۰} <https://www.youtube.com/watch?v=XS7itdfgNnU>

^{۲۱} https://www.dougfeith.com/docs/Clean_Break.pdf

حقیقت این است که ویرانی جنگ مستقیماً بر آنچه غرب نامیده می‌شود، تأثیر نخواهد گذاشت: فرزندان آنها دچار تروما یا مرگ نخواهند شد و کشورهای آنها به آتش کشیده نخواهند شد. قربانیان این حمله مردم خاورمیانه هستند. آنها افراد کم ارزشی تلقی می‌شوند که [البته در واقع] از تکبر غربی، سوءاستفاده از قدرت و اعتیاد به جنگ رنج می‌برند.

ما با دو نکته بحث را به پایان می‌رسانیم:

اول، ایالات متحده به هژمونی/سیطره جهانی دست نخواهد یافت یا سازمان ملل را از بین نخواهد برد. جهان بیش از حد بزرگ، بیش از حد متنوع و بیش از حد مصمم است که در برابر سلطه هر قدرت واحدی مقاومت کند، چه برسد به قدرتی که ۴ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. جهان خارج از ایالات متحده و کشورهایی که اشغال کرده است، می‌خواهند سازمان ملل متحد زنده بماند و رشد کند. تلاش ایالات متحده مطمئناً شکست خواهد خورد، اما ممکن است قبل از آن رنج عظیمی ایجاد کند.

دوم، اگر اسرائیل به اعتیاد خود به جنگ و اشغال ادامه دهد، آن نیز زنده نخواهد ماند. این اعتیاد ترکیبی از حکومت دینی و استرس پس از سانحه است. بخشی از اسرائیل معتقد است که [این رژیم] پادشاهی مذکور در کتاب مقدس قرن پنجم قبل از میلاد است. بخش دیگر در خاطره آسیب‌زای هولوکاست زندگی می‌کند و بنابراین مصمم است هر دشمن فرضی را بکشد تا اینکه یاد بگیرد با آن در صلح زندگی کند. دفاع پیچیده سفیر اسرائیل از حمله گستاخانه اسرائیل به ایران، طبق معمول، به کتاب مقدس و آشویتس به عنوان دو توجیه اشاره کرد. این دو [موضوع] مرجع همیشگی اسرائیل هستند، اما [با] دنیای واقعی امروز [منطبق] نیستند.

دولتی که به جنگ دائمی، اشغال دائمی و کشتار فلسطینی‌ها و انقیاد نامحدود میلیون‌ها نفر وابسته باشد، آینده‌ی پایداری نخواهد داشت و سیاست‌هایی که ایالات متحده اکنون به نمایندگی از اسرائیل دنبال می‌کند، به جای جلوگیری از آن، [میزان جنایات] را تسریع می‌کند.

راه حل دو دولت، که شورای امنیت [سازمان ملل] بارها آن را تأیید کرده است، راهی برای صلح به اسرائیل ارائه می‌دهد. متأسفانه اسرائیل آن را رد می‌کند. نتیجه، در نهایت، پایان خود اسرائیل در شکل فعلی‌اش خواهد بود، به ویژه که جمعیت ایالات متحده به سرعت در حال روی آوردن^{۲۲} به مخالفت با حکومت دینی خشونت‌آمیز

^{۲۲}<https://news.gallup.com/poll/702440/israelis-no-longer-ahead-americans-middle-east-sympathies.aspx>

اسرائیل^{۱۳} و حرکت به سوی آرمان فلسطین است. شاید یک دولت دموکراتیک برای اعراب و یهودیان وجود پیدا کند که در صلح و آرامش با هم زندگی کنند و به حکومت آپارتاید پایان داده شود.

اینها حقایق تلخی هستند، اما شرایط اضطراری نیازمند صداقت است. سازمان ملل توسط اسرائیل و ایالات متحده در حال نابودی است. شورای امنیت [سازمان ملل] باید خود را از اشغال نظامی توسط ایالات متحده بیدار کند و به یاد داشته باشد که آنها متولیان وعده منشور سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی هستند



^{۱۳} Israel's violent theocracy

نه به جنگ آمریکا علیه ایران: نامه‌ای سرگشاده به شورای امنیت سازمان ملل

تهدید فعلی حمله از سوی ایالات متحده با هیچ گونه قصوری از سوی ایران در انجام مذاکره آغاز نشد. بلکه برعکس، با رد مذاکراتی که قبلاً موفقیت‌آمیز بودند از سوی ایالات متحده آغاز شد.

نوشته دکتر جفری ساکس، استاد و مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا، رئیس شبکه راهکارهای توسعه پایدار

سازمان ملل و کمیسر کمیسیون توسعه پهنای باند سازمان ملل

(نشر در شانزدهم فوریه ۲۰۲۶ برابر با بیست و هفتم بهمن ۱۴۰۴ شمسی)

اعضای محترم شورای امنیت،

رئیس جمهور ایالات متحده تهدیدهای جدی به استفاده از زور علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند، در صورتی که درخواست‌های ایالات متحده [توسط ایران] مورد پذیرش واقع نشود. اقدامات وی خطر یک جنگ منطقه‌ای بزرگ و ویرانگر را به همراه دارد. در پاسخ به این سوال که آیا او خواهان تغییر رژیم است، او پاسخ داد^{۱۲۴} که «به نظر می‌رسد این بهترین اتفاقی است که می‌تواند رخ دهد». وقتی از رئیس جمهور ترامپ پرسیده شد که چرا دومین ناو هواپیمابر ایالات متحده به منطقه اعزام شده است، او پاسخ داد: «در صورتی که به توافق نرسیم، به آن نیاز خواهیم داشت... اگر به آن نیاز داشته باشیم، آن را آماده خواهیم کرد».

این تهدیدها ناقض ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد است که مقرر می‌دارد: «همه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا به هر روش دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری خواهند کرد».

این تهدیدها در چارچوب درخواست‌های مکرر ایران برای مذاکره مطرح می‌شوند. علاوه بر این، در ۷ فوریه، وزیر امور خارجه ایران در دوحه سخنرانی کرد^{۱۲۵} و پس از دور مذاکراتی در عمان که با حمایت دیپلماسی کشورهای

^{۱۲۴} <https://www.france24.com/en/americas/20260214-trump-iran-regime-change-best-thing-that-could-happen-second-carrier-heads-to-middle-east>

^{۱۲۵} <https://en.mfa.ir/portal/newsview/782663/Speech-by-HE-Dr-SEYED-ABBAS-ARAGHCHI-Foreign-Minister-of-the-Islamic-Republic-of-Iran>

عربی و ترکیه برگزار شد، پیشنهاد مذاکرات جامع برای صلح منطقه‌ای را مطرح کرد. حتی با وجود اعلام دور دوم مذاکرات، ایالات متحده به تشدید تهدیدهای زور متوسل می‌شود.

مسئله‌ای که شورای امنیت سازمان ملل متحد در این روزهای خطرناک با آن مواجه می‌باشد این است که آیا هر کشور عضو، با زور یا تهدید به زور، می‌تواند خود را بالاتر از منشور سازمان ملل متحد که بر همه ما حکومت می‌کند، قرار دهد یا خیر. در این میان، تمامیت نظام بین‌المللی مبتنی بر سازمان ملل متحد در خطر است.

یکی از نقش‌های حیاتی شورای امنیت، فراخواندن کشورهای عضو به حل و فصل اختلافات از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز مانند مذاکره، میانجیگری، داوری یا حل و فصل قضایی، بدون تهدید به زور یا توسل به زور است. امروزه، جهان نیاز مبرمی به تعهد مجدد به دیپلماسی دارد.

تهدید فعلی حمله ایالات متحده با عدم موفقیت ایران در مذاکره آغاز نشد. برعکس، با رد مذاکراتی که قبلاً موفقیت‌آمیز بودند از سوی ایالات متحده آغاز شد.

در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، پس از سال‌ها دیپلماسی گسترده، ایران و کشورهای عضو گروه ۵ به علاوه آلمان، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را به منظور اطمینان از اینکه برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز باقی خواهد ماند، به امضا رساندند. در عوض، قرار بود تحریم‌های اقتصادی علیه ایران لغو شود. برجام فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تحت نظارت دقیق و مداوم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داد و بدین ترتیب خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را از بین برد، خطری که ایران همواره آن را انکار می‌کرد.

در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵، شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب کرد. این قطعنامه «برجام را تأیید می‌کند» و از همه کشورها می‌خواهد که گام‌های «لازم برای حمایت از اجرای آن» را بردارند. این قطعنامه مفاد قطعنامه‌های تحریمی قبلی را لغو و برجام را در زمره حقوق بین‌الملل گنجانده. شورای امنیت به صراحت «حق ایران برای توسعه انرژی هسته‌ای در جهت اهداف صلح‌آمیز» را تحت پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به رسمیت شناخت و یک رژیم راستی‌آزمایی قوی ایجاد کرد.

با این حال، در ۸ مه ۲۰۱۸، سه سال پس از قطعنامه موفقیت‌آمیز شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایالات متحده به طور یکجانبه از برجام خارج شد.^{۱۲} این خروج در اثر لابی فعال دولت اسرائیل واقع شد. از اواخر دهه ۱۹۹۰،

^{۱۲} <https://trumpwhitehouse.archives.gov/briefings-statements/president-donald-j-trump-ending-united-states-participation-unacceptable-iran-deal/>

رهبری اسرائیل بارها، به دروغ و ریاکارانه ادعا کرده است که ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است، در حالی که خود اسرائیل مخفیانه سلاح‌های هسته‌ای را خارج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به دست آورده و تا به امروز از پیوستن به پیمان مذکور و قرار دادن خود در معرض کنترل‌های آن خودداری کرده است.

وقتی رئیس جمهور ترامپ به طور یکجانبه ایالات متحده را از برجام خارج کرد، ایالات متحده تحریم‌های گسترده‌ای را که مغایر با قطعنامه ۲۲۳۱ بود، دوباره اعمال کرد و کارزاری از جنگ اقتصادی را برای فلج کردن اقتصاد ایران آغاز کرد که تا به امروز ادامه دارد.

بنابراین، تهدیدات فعلی ایالات متحده بخشی از یک الگوی دیرینه تظاهر به علاقه به مذاکرات در حالی است که در واقع به دنبال جنگ اقتصادی و [کاربرد] نیروی نظامی هستند. در ژوئن ۲۰۲۵، پس از تجدید مذاکرات در اوایل همان سال، ایالات متحده و ایران وارد ششمین دور مذاکرات شدند. ایالات متحده مذاکرات را سازنده و مثبت توصیف کرده بود. دور ششم برای ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵ تعیین شده بود. با این حال، در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، ایالات متحده از بمباران ایران توسط اسرائیل حمایت کرد. یک هفته پس از آن، ایالات متحده تحت عملیات «چکش نیمه‌شب»^{۱۲۷} به ایران حمله کرد.

حمله ایالات متحده به منشور سازمان ملل متحد اکنون بار دیگر تا آستانه جنگ افزایش یافته است و تهدیدات ایالات متحده به کاربرد زور و اقدامات جنگ اقتصادی روزانه ادامه دارد. ایالات متحده حضور نظامی خود را در نزدیکی ایران افزایش داده و بارها تهدید به حمله قریب‌الوقوع کرده است.

دولت [آمریکا] همچنین در مورد راهبرد جنگ اقتصادی خود واقعیت را بر ملا کرده است. در ۲۰ ژانویه، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، در مصاحبه‌ای در داووس توضیح داد^{۱۲۸} که چگونه ایالات متحده عمداً سقوط ارزش پول ایران، کمبود دلار و کاهش واردات را با هدف دامن زدن به رنج اقتصادی و ناآرامی‌های عمومی مهندسی کرده است. بسنت ناآرامی‌های ناشی از آن را «در اینجا به سمت بسیار مثبتی» توصیف کرد.

قابل توجه‌ترین جنبه‌ی کارزار ایالات متحده برای تغییر رژیم در ایران، اصرار مکرر ایالات متحده بر لزوم مذاکره‌ی ایران است. ایران بارها مذاکره کرده است. برجام مورد مذاکره قرار گرفته و توسط شورای امنیت سازمان ملل تصویب شده است. حتی پس از آنکه ایران تابستان گذشته مذاکرات جدیدی را آغاز کرد، با حملات هوایی

^{۱۲۷}Operation Midnight Hammer

^{۱۲۸}<https://www.youtube.com/watch?v=nuqtAtSVKwQ>

گسترده در خاک خود مواجه شد. اکنون، ایالات متحده آشکارا سیاست فروپاشی اقتصادی و تغییر رژیم را اعلام می‌کند.

هیچ کشوری در امان نخواهد بود اگر ایالات متحده بتواند به تهدیدهای بی‌شرمانه هفت هفته‌ای اخیر علیه ایران و در واقع چندین کشور دیگر، از جمله کوبا، دانمارک و دیگران، عمل کند.

یادآوری این نکته که سازمان ملل متحد زائیده‌ی افکار رئیس‌جمهور فرانکلین دی. روزولت بود، هم غم‌انگیز و هم تأثرانگیز است. او دورانی از همکاری قدرت‌های بزرگ و چندجانبه‌گرایی تحت حقوق بین‌الملل را به عنوان اساس صلح و امنیت بین‌المللی تصور می‌کرد. همسرش، النور روزولت، بر تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر نظارت داشت.

ایالات متحده در آن زمان دورانی را تصور می‌کرد که در آن دیپلماسی رونق خواهد گرفت، و زمانی که در آن قانون و عدالت به جای زور وحشیانه غالب خواهد شد، زمانی که ما به سخنان حضرت اشعیا^{۱۲۹} که بر روی دیوار خیابان اول روبروی سازمان ملل حک شده است، احترام خواهیم گذاشت: «آنها شمشیرهای خود را به گاوآهن و نیزه‌های خود را به قلاب‌های هرس تبدیل خواهند کرد. ملتی علیه ملتی شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ را نخواهند آموخت.»

اجازه دادن به نقض بی‌رحمانه منشور سازمان ملل، به ویژه توسط کشور میزبان آن، به معنای دعوت به بازگشت به جنگ جهانی، این بار در عصر هسته‌ای است. به عبارت دیگر، این دعوت به خودنابودی بشریت است. به نمایندگی از ما مردم، شورای امنیت سازمان ملل متحد اقتدار و مسئولیت سنگین حفظ صلح را بر عهده دارد.

با احترام،

جفری دی. ساکس / استاد دانشگاه کلمبیا

^{۱۲۹} The Prophet Isaiah

از پیامبران عهد عتیق و نویسنده کتاب اشعیا است. اشعیا تا سال ۶۸۱ قبل از میلاد، زیسته است. او به پیامبر بشارت و شاهزاده پیامبران عهد عتیق شهرت یافته است. (توضیح افزوده بر متن)

الحاقیه؛ من فروتنانه در زیر پیش نویس قطعنامه‌ای را ارائه می‌دهم که شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند با آن وظیفه خود را در شرایط فعلی انجام دهد:

« شورای امنیت،

با یادآوری اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد، به ویژه تعهد همه کشورهای عضو برای خودداری از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، همانطور که در ماده ۲(۴) منشور آمده است، با تأکید مجدد بر اینکه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر احترام به حقوق بین‌الملل، اختیارات شورای امنیت و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است،

با یادآوری قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) خود که در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ به اتفاق آرا تصویب شد و شورای امنیت با آن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را تأیید کرد و از همه کشورهای عضو خواست تا اقدامات لازم را برای حمایت از اجرای آن انجام دهند،

با تأکید مجدد بر تعهد خود به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، لزوم پابندی کامل همه کشورهای عضو آن معاهده به تعهدات خود، و با یادآوری حق کشورهای عضو، مطابق با مواد ۱ و ۲ آن معاهده، برای توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض، با اقدام تحت منشور سازمان ملل متحد،

۱. از همه کشورهای عضو می‌خواهد که فوراً و بدون قید و شرط هر گونه تهدید یا استفاده از زور را متوقف کرده و به تعهدات خود ذیل ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد کاملاً پایبند باشند؛

۲. اذعان می‌کند که برجام یک مذاکره چندجانبه معتبر بوده که توسط شورای امنیت تأیید شده است و اذعان می‌کند که ترک برجام ناشی از خروج یکجانبه ایالات متحده بوده است؛

۳. تصمیم می‌گیرد شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحت اختیارات خود، که همه کشورهای مربوطه فوراً در مذاکرات برای انعقاد یک توافق جامع جدید در مورد موضوع هسته‌ای ایران، بر اساس اصول برجام و کاملاً مطابق با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شرکت کنند؛

۴. از همه کشورهای عضو می‌خواهد از اقداماتی که تلاش‌های دیپلماتیک را مخدوش می‌کند، تنش‌ها را تشدید می‌کند یا اقتدار سازمان ملل متحد را تضعیف می‌کند، خودداری کنند؛
تصمیم می‌گیرد که همچنان به طور فعالانه موضوع در دستور پیگیری باشد.»

